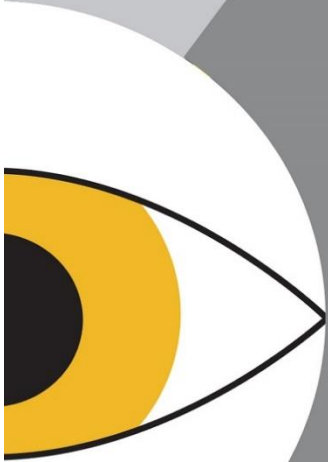




محدود شدن فضای مدنی برای مدافعان حقوق بشر در افغانستان

شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر (CSHRN)

حمل ۱۴۰۰



THE SOUTH ASIA COLLECTIVE

محدود شدن فضای مدنی برای مدافعان حقوق بشر در
افغانستان



شناسنامه اثر

عنوان: محدود شدن فضای مدنی برای مدافعان حقوق بشر در افغانستان

نویسندگان: عبدالرحمان «یاسا» مختار حسین «حیدری»

صفحه‌آرا: روح‌الله «رگبار»

ناشر: شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر

تاریخ نشر: حمل ۱۴۰۰

چاپ:

آدرس: خانه نمبر ۶۰، سرک چهارم کارته سه، کابل- افغانستان

شماره‌های تماس: ۴۵ ۶۹ ۷۹ ۷۹۹ (+۹۳)

سایت اینترنتی: www.cshrn.af

آدرس الکترونیکی: info@cshrn.af

فهرست عنوان‌ها

پیشگفتار: پیام داکتر سیما سمر	۱
خلاصه گزارش	۴
مقدمه	۱۱
محدودسازی در حوزه قانون‌گذاری	۱۶
قانون اساسی	۱۶
قوانین مربوط به آزادی بیان	۱۹
قانون دسترسی به اطلاعات	۲۳
قانون مربوط به تجمعات مسالمت‌آمیز	۲۶
قانون سازمان‌های غیردولتی (NGOs)	۳۴
محدودیت‌های عملی	۳۶
محدودیت‌های ناشی از عوامل سیاسی	۳۷
محدودیت‌های ناشی از عوامل اقتصادی	۴۲
محدودیت‌های ناشی از ناامنی	۴۵
محدودیت‌های ناشی از سلطه افکار تندروانه مذهبی	۵۱
جمع‌بندی	۵۵
پیشنهادها	۶۳
ضمیمه: ارزیابی فضای مدنی در افغانستان؛ یافته‌های نظرسنجی	۶۶
منابع	۶۹

پیشگفتار: پیام داکتر سیما سمر

جنوب آسیا با داشتن ۲۵ درصد از جمعیت جهان و ۴ درصد اقتصاد جهان، یک نقطه‌ی چالش برانگیز ژئوپلیتیکی در جهان به شمار می‌رود. کشورهای این منطقه، طی سالیان متمادی درگیر ناامنی و فقر بوده و تلاش کرده‌اند تا به پیشرفت و توسعه‌ی اقتصادی دست یابند که تا اندازه‌ای در این امر موفق هم بوده‌اند. با این وجود، علیرغم همکاری‌های منطقه‌ای و توسعه‌ی اقتصادی، اختلافات سیاسی و چالش‌های اجتماعی و ساختاری، به چشم‌انداز یک وضعیت بهتر برای شهروندان از جمله اقلیت‌های قومی در این منطقه آسیب رسانده است؛ بنابراین، عناصر اصلی ثبات در منطقه همکاری‌های بیشتر منطقه‌ای و اقتصادی نه، بلکه انسجام ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مبتنی بر ارزش‌های دموکراتیک در درون این کشورها است؛ فضایی که در آن، جامعه مدنی فعال و احترام به اقلیت‌ها و حقوق و آزادی‌های آنها از جمله اولویت‌های کاری دولت باشد.

پرسش این است که چرا منطقه‌ای که ۲۵ درصد نفوس جهان را در خود جای داده و تنها ۴ درصد اقتصاد جهان را تشکیل می‌دهد، مانند سایر مناطق جهان موفق نبوده است؟ ظاهراً یکی از دلایل عمده‌ی این وضعیت ریشه در عدم درک ما از اهمیت پایبندی به اصل حقوق بشر و آزادی‌های شهروندی، همکاری‌های منطقه‌ای، احترام و حمایت از حقوق اقلیت‌ها و گسترش و تقویت فضای مدنی برای شهروندان این منطقه دارد.

با توجه به روند افزایش جمعیت، زیرساخت‌های فرسوده و مشکلات محیط زیستی، حکومت‌ها در این منطقه از جهان کم‌کاری کرده‌اند و ظرفیت لازم برای

حل چالش‌های ناشی از این مسائل را ندارند. آن‌ها همواره برای شانه خالی کردن از مسئولیت‌های‌شان، در تلاش محدود کردن فضای مدنی و محکوم ساختن فعالان مدنی و اقلیت‌های قومی هستند.

در دهه‌ی گذشته، من و یک گروه برجسته‌ی فعالان حقوق بشر، دانشمندان، و فعالان حقوق زنان سعی کردیم برای ایجاد یک سازوکار موثر حقوق بشری دادخواهی کنیم، ولی متأسفانه تلاش‌های ما برای ایجاد چنین میکانیزمی زیاد موفق نبود. با این حال، همکاری مشترک موجود بین نهادهای مختلف جامعه مدنی و تلاش‌شان برای حمایت از ارزش‌های حقوق بشری در سطح ملی و منطقه‌ای امیدواری را برای استحکام ارزش‌های دموکراتیک بیشتر می‌سازد.

گزارشی که خواهید خواند وضعیت فضای مدنی برای اقلیت‌های قومی-مذهبی در جنوب آسیا را بررسی می‌کند و نمونه‌ی معتبری از چگونگی تلاش نهادهای مدنی و حقوق بشری در فقدان همکاری و سازکارهای لازم بین حکومت‌ها در این منطقه برای حمایت از این ارزش‌ها است. من از این تلاش نهادهای مدنی برای تقویت و ارج‌گذاری به حقوق اقلیت‌ها استقبال می‌کنم و امیدوارم که یافته‌های این تحقیق با در نظر داشت واقعیت‌های موجود، بتواند فرصتی را برای بحث و گفتگو بین نهادهای مختلف ملی و بین‌المللی، جوامع مدنی، نهادهای حقوق بشری و فعالان حقوق اقلیت‌ها ایجاد کند، آگاهی عامه را افزایش دهد و بر پالیسی‌های حکومت در این رابطه اثر مثبت بگذارد.

من به این باورم که تقویت ارزش‌های حقوق بشری، فضای باز مدنی، حمایت و احترام به حقوق اقلیت‌ها، تاثیر مثبتی بر پیشرفت و توسعه‌ی منطقه

ی ما خواهد گذاشت. این در حالی است که این گزارش نشان می‌دهد که حکومت‌ها تلاش می‌کنند تا فضای مدنی را بیشتر از پیش محدود بسازند. باید گفت ادامه‌ی این روند، تعهدات ملی و بین‌المللی این دولت‌ها را برای حمایت از ارزش‌های حقوق بشری به شدت آسیب می‌رساند.

من از فعالان حقوق بشر و جامعه مدنی و از مدافعان حقوق اقلیت‌ها به شدت حمایت می‌کنم و با آنان هم‌صدا هستم و برای ایجاد و تقویت یک منطقه‌ی امن برای اقلیت‌های قومی-مذهبی دادخواهی می‌کنم. این گزارش که چگونگی فضای مدنی را برای مدافعان حقوق اقلیت‌ها در کشورهای جنوب آسیا بررسی کرده، فهرست پیشنهادهای را نیز به دولت‌ها در این منطقه ارائه کرده است که باید مورد توجه و دقت نظر قرار گیرد. یکی از آرزوهای من این است که روزی شاهد بهبود چشم‌گیر وضعیت اقلیت‌ها و آزادی، عزت و سعادت برای شهروندان از جمله اقلیت‌ها در این منطقه باشم؛ وضعیتی که در آن، همه بتوانند بدون هیچ ترسی به زندگی صلح‌آمیزشان ادامه دهند.

داکتر سیماسمر

رئیس پیشین کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

خلاصه گزارش

فضای مدنی (Civic Space) محیطی است که جامعه مدنی را قادر می‌سازد تا در زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نقش داشته باشد. فضای مدنی بستر و پیش‌شرط لازم برای هر جامعه باز و دموکراتیک است. در یک فضای مدنی باز این فرصت فراهم می‌شود تا نهادهای جامعه مدنی از طریق سازمان‌دهی، مشارکت و ارتباط با همدیگر، آزادانه حقوق خود را مطالبه کرده و بر ساختارهای سیاسی و اجتماعی پیرامونشان تأثیر بگذارند. فضای مدنی اصطلاح چندان قدیمی نیست و سابقه استفاده از آن به دو دهه اخیر بعد از آغاز قرن ۲۱ برمی‌گردد. با این حال، حق‌های که زیربنای فضای مدنی را تشکیل می‌دهد، پیشینه بیشتر دارد و از همین طریق، فضای مدنی با قواعد بین‌المللی حقوق بشر ارتباط یافته و ریشه‌های آن به نیمه قرن ۲۰ می‌رسد، زمانی که اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۹۴۸ تصویب و حق بر آزادی انجمن، حق بر آزادی تجمع مسالمت‌آمیز و حق بر آزادی بیان در آن گنجانده شد.

در خصوص فضای مدنی در نظام حقوقی افغانستان چارچوب قانونی نسبتاً کامل و کافی شکل گرفته است. توضیح مطلب اینکه دولت افغانستان در سال ۱۹۸۳ عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی شده و این کنوانسیون بیش از هر سند دیگر، حق‌های مرتبط با فضای مدنی را مورد حمایت قرار داده است. در قانون اساسی جدید افغانستان در کنار برخی تأکیدات کلی بر ارزش‌ها و هنجارهای حقوق بشری به روشنی به سه حق بشری مرتبط با فضای مدنی پرداخته است. در ادامه در دو دهه اخیر، قوانین و مقررات متعددی در حمایت از حق بر آزادی بیان، حق بر برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز و حق بر دسترسی به اطلاعات تدوین و تصویب شده است. پس از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱، امید به ایجاد و رشد فضای مدنی مناسب برای کار نهادهای جامعه مدنی و

حقوق بشری افزایش یافت و نهادهای مدنی و حقوق بشری سفر خود را در راستای تلاش برای تأمین حقوق و آزادی‌های اقشار مختلف مردم و نهادینه‌سازی ارزش‌های دموکراتیک آغاز کردند. در این دوره، متأثر از حضور پررنگ نیروهای خارجی، اوضاع امنیتی به تدریج بهبود یافت و شهروندان افغانستان توانستند با استفاده آزادانه از رسانه‌ها، تأسیس انجمن‌ها و برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز مطالبات خود را به گوش مسئولان دولتی برسانند.

رویکرد دولت افغانستان در قبال انجمن‌های مردمی، آزادی بیان و تظاهرات و اجتماعات مردم معمولاً مثبت، حمایتی و تشویقی بوده است. با این حال به نظر می‌رسد از سال ۲۰۱۴ به این سو رویکرد دولت در این خصوص تغییر کرده و فضای عمومی برای جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر روزبه‌روز محدودتر شده است. همین موضوع به‌عنوان مسئله اصلی این گزارش تحقیقی مطرح شده و مورد بحث قرار گرفته است. این گزارش، یک گزارش توصیفی-تحلیلی است، به این معنا که ابعاد و جنبه‌های مختلف محدودسازی فضای مدنی برای مدافعان حقوق بشر در افغانستان و حقوق مرتبط با آن توصیف شده و زمینه‌ها و پیامدهای این محدودسازی نیز مورد تحلیل قرار گرفته است. معلومات مورد استفاده در این گزارش تحقیقی، عمدتاً از طریق مصاحبه با کارشناسان و آگاهان کلیدی مانند اعضای جامعه مدنی، کارشناسان حقوقی و خبرنگاران جمع‌آوری شده است. علاوه بر آن از گزارش‌ها و تحلیل‌هایی نشر شده در رسانه‌های معتبر و نهادهای حقوق بشری نیز در تدوین گزارش کمک گرفته شده است.

الف: محدودیت‌ها در حوزه قانون‌گذاری: قانون اساسی فعلی افغانستان

نتیجه‌ی یک مصالحه و سازش میان دو جریان مخالف فکری بوده و در این قانون خواسته‌های هر دو طرف گنجانده شده است. در کنار ارزش‌های حقوق

بشری، برای جلب رضایت نیروهای محافظه‌کاری که خواستار جایگاه بالاتر اسلام در نظام سیاسی بودند، در ماده ۳ قانون اساسی بیان شده است که «در افغانستان هیچ قانونی نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین اسلام باشد.» «معتقدات و احکام دین اسلام» عبارت کلی، مبهم و قابل تفسیر است و در نتیجه از این ظرفیت برخوردار است که برخی نهادهای دولتی با استناد به آن، با بسیاری از ارزش‌های حقوق بشری مخالفت کند.

در قانون رسانه‌های همگانی مصوب ۱۳۸۸، ماده‌های محدودکننده و اصطلاحات مبهمی وجود دارد که می‌تواند به‌عنوان مستندی برای تحت‌فشار قرار دادن فعالان رسانه‌ای مورد استفاده قرار گیرد. به‌عنوان مثال، در مقدمه این قانون با برجسته‌سازی ماده سوم قانون اساسی بر نقش دین تأکید شده است. فصل نوزدهم آن با استفاده از تعبیرهای مبهم، موارد ممنوع بر شمرده شده است. عبارت‌های مانند «مغایر دین اسلام»، توهین و افتراء، قابل تفسیر موسع بوده و می‌تواند زمینه محدودسازی فعالیت رسانه‌ای فراهم کند. با توجه به تحولات چند سال اخیر، به نظر می‌رسد این قانون از نظر حکومت افغانستان رضایت‌بخش نیست و به همین دلیل در چند سال اخیر طرح جدید قانون رسانه‌های همگانی از سوی حکومت تهیه و در تابستان ۱۳۹۹ برای تکمیل مراحل قانون‌گذاری به پارلمان فرستاده شد. در نتیجه‌ی اعتراض گسترده جامعه‌ی رسانه‌ای این طرح از مجلس نمایندگان به حکومت استرداد شد. هرچند تصویب قانون دسترسی به اطلاعات در سال ۱۳۹۳ یک اقدام امیدوارکننده بود، اما در عمل محدودیت‌های شدید دولت در ارائه اطلاعات موردنیاز، یک مشکل جدی بوده و فعالان رسانه‌ای در این خصوص شکایت دارند.

در چند سال اخیر بر بعضی از تجمعات و تظاهرات مسالمت‌آمیز و مدنی شهروندان حمله انتحاری صورت گرفته و این حملات تلفات گسترده باقی گذاشت. در طول دوره‌ی حکومت وحدت ملی، چندین تظاهرات در کابل و سایر ولایات برای به چالش کشاندن سیاست‌های دولت برگزار شد. تظاهرات دادخواهانه برای فرخنده در ماه مارچ ۲۰۱۵، جنبش تبسم در نوامبر ۲۰۱۵، دو اعتراض گسترده‌ی جنبش روشنایی در سال ۲۰۱۶ و رستاخیز تغییر در سال ۲۰۱۷ از جمله نمونه‌های بارز است. ناتوانی دولت در مدیریت و کنترل مسالمت‌آمیز آن‌ها شورای امنیت ملی افغانستان را واداشت تا برای وضع محدودیت برای تظاهرات، در پی تعدیل قانون برآید. متن تجدیدنظر شده قانون بالاخره در سال ۱۳۹۶ طی فرمان تقنینی رئیس‌جمهور در جریده رسمی نشر شد. هرچند این فرمان از سوی پارلمان رد شد، اما هنوز هم در سایت اینترنتی وزارت عدلیه یکی از قوانین نافذالاجرا شمرده شده است. محدودیت‌ها و قیدهایی که در این قانون برای برگزاری تجمعات و تظاهرات وضع شده است، چیزی قابل توجهی از حق آزادی بیان باقی نمی‌گذارد. در ماده ۲۶۲ کد (کود) جزای افغانستان برای برگزاری تجمع، مظاهره و اعتصاب، اطلاع و اجازه قبلی هم شرط شده و بدون آن، راه‌اندازی تجمعات جرم انگاری شده است. به نظر می‌رسد بخشی که به اطلاع‌رسانی مربوط می‌شود، از نظر حقوق بشری مشکلی ندارد، اما بخش دیگر در مورد اجازه قبلی، محدودکننده حق شهروندی و آزادی‌های مدنی بوده و با هنجارهای حقوق بشری سازگاری ندارد.

دولت افغانستان در سال ۱۳۹۶ تلاش کرد قانون سازمان‌های غیردولتی سال ۱۳۸۴ را تعدیل کند. ابهامات موجود درسته‌ی تغییرات پیشنهادی می‌توانست زمینه‌ی سوءاستفاده و محدودیت را فراهم کند؛ گزینه‌ی «ثبت‌نام مجدد» به دولت اجازه می‌داد که از ثبت‌نام مجدد یک نهاد خودداری کند و

این خودداری به حذف خودکار آن منجر می‌شد. «دلایل تخنیکی» به دولت اجازه می‌داد به صورت خودسرانه از ثبت مجدد یک نهاد خودداری کند و حضور نماینده وزارت اقتصاد در جلسه تصمیم‌گیری، زمینه نفوذ دولت بر نهادهای جامعه مدنی را فراهم می‌کند. اعتراض‌های نهادهای جامعه مدنی باعث شد تا دولت تعدیلات پیشنهادی خود را پس بگیرد.

ب: محدودیت‌های عملی: در چند سال اخیر بعد از ۲۰۱۴ تمایل حکومت

به محدودسازی فضای مدنی در حال افزایش بوده است. این تمایل را علاوه بر حوزه قانون‌گذاری، در واقعیت‌های جاری جامعه نیز می‌توان مشاهده کرد. هرچند اقدامات حکومت در حوزه قانون‌گذاری گاهی ناموفق بوده است، در عمل، دولت افغانستان تلاش کرده است تا فضای مدنی را محدود سازد، این تلاش‌ها شامل بستن جاده‌ها با استفاده از تجهیزات نظامی و حمل‌ونقل تا حمله فیزیکی، دستگیری معترضان و حتی تیراندازی و هدف قرار دادن معترضان می‌شود. محدودیت‌هایی که بر فضای مدنی اعمال شده است، ناشی از علل و عوامل مختلف است: بخشی از این محدودیت‌ها مشخصاً ریشه سیاسی دارد و بعد از تجربه جنبش‌های اعتراضی تبسم، روشنایی و رستاخیز تغییر، حکومت تصمیم گرفته به نوعی فرصت حضور در جاده‌های شهری را از شهروندان معترض بگیرد. عوامل اقتصادی و کاهش شدید منابع مالی رسانه‌ها و نهادهای مدنی نیز باعث شده فعالیت‌ها کاملاً متوقف یا شدیداً محدود شود. در این چند سال اخیر، روند خروج نیروهای امنیتی بین‌المللی جریان داشته و خلأ ناشی از این خروج باعث وخیم‌تر شدن وضعیت امنیتی شده است. در نتیجه، تهدیدها امنیتی در برابر مدافعان حقوق بشر نیز افزایش یافته است و آنان از سوی عوامل دولتی و غیردولتی به صورت مکرر تهدید شده‌اند. گسترش خشونت و تهدید در فضای مدنی به خروج برخی از فعالان از کشور، ترک وظیفه یا حداقل افزایش

خودسانسوری و کاهش کیفیت فعالیت‌ها در فضای مدنی منجر شده است. دولت افغانستان نه تنها به وظیفه خود در قبال حفظ امنیت مدافعان حقوق بشر عمل نکرده، بلکه در برخی موارد عوامل دولتی خود به تهدید فعالان رسانه‌ای و مدافعان حقوق بشر اقدام کرده‌اند. به نظر می‌رسد بخشی از محدودیت‌های فضای مدنی به‌ویژه برای زنان فعال در این عرصه ناشی از ظهور مجدد افکار تندروانه مذهبی است که حضور اجتماعی زن را با باورهای دینی‌شان در تضاد می‌بینند.

ج: جمع‌بندی: روند صلح افغانستان به نقطه حساس و سرنوشت‌ساز رسیده است. دولت افغانستان تقابل در میز مذاکرات را در قالب رویاروی جبهه جمهوری با اردوگاه امارت به تصویر می‌کشد. جمهوریت و امارت صرفاً دو عنوان خالی از محتوا نیست، بلکه هرکدام از آن‌ها شامل مؤلفه‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده است که بدون وجود آن مؤلفه‌ها چیزی جز دو عنوان میان‌تهی باقی نمی‌ماند و فرقی میان جمهوریت و امارت نخواهد بود. در این بزنگاه تاریخی که سرنوشت آینده افغانستان تعیین می‌شود، نوع نگاه به فضای مدنی می‌تواند همان سنگ محک برای ارزیابی میزان صداقت حامیان گفتمان جمهوریت باشد. جمهوری‌خواهی مستلزم تقویت فضای مدنی و حمایت هرچه بیشتر از حق بر آزادی بیان، حق بر آزادی اجتماع و حق بر آزادی انجمن است و لازمه تفکیک و تمایز جمهوریت از امارت آن است که به‌جای محدودسازی فضای مدنی، با حمایت از فضای مدنی باز و دوشادوش فعالان این عرصه برای نهادینه‌سازی ارزش‌های مدنی و حقوق بشری برای آینده افغانستان مبارزه شود.

نکته پایانی اینکه در شش سال گذشته دولت افغانستان تلاش کرده است با استفاده از تعدیل قوانین در بهره‌مندی شهروندان از آزادی‌ها و حقوق بشری‌شان از جمله آزادی بیان و آزادی تجمعات، محدودیت‌های بیشتر وضع

کند. در مقابل این اقدامات محدودیت‌ساز، جامعه مدنی افغانستان واکنش منسجم و مؤثر نشان نداده است. اگر در جریان تحولات سرنوشت‌ساز پروسه صلح افغانستان نیز این روند محتاطانه و عافیت‌جویانه ادامه پیدا کند، ممکن است بسیاری از دستاوردهای ارزشمند مردم و دولت افغانستان در حوزه حقوق بشر به خطر بیفتد و این زبانی است که برای چندین نسل قابل جبران نخواهد بود.

مقدمه

فضای مدنی (Civic Space) محیطی است که جامعه مدنی را قادر می‌سازد تا در زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جوامع نقش داشته باشد. فضای مدنی به افراد و گروه‌ها اجازه می‌دهد تا از طریق دسترسی به اطلاعات، مشارکت در گفتگو، ابراز مخالفت یا عدم موافقت و به هم پیوستن برای بیان دیدگاه، در سیاست‌گذاری که زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، سهم بگیرند. فضای مدنی بستر هر جامعه باز و دموکراتیک است. وقتی فضای مدنی باز باشد، برای شهروندان و سازمان‌های جامعه مدنی فرصت فراهم می‌شود تا آزادانه و بدون هیچ مانعی حقوقشان را مطالبه کرده و بر ساختارهای سیاسی و اجتماعی پیرامون خود تأثیر بگذارند. فضای مدنی باز تنها زمانی فراهم می‌شود که دولت وظیفه‌اش را در حمایت از شهروندان خود و احترام به حقوق اساسی آن‌ها در مورد تشکیل انجمن، تجمع مسالمت‌آمیز و بیان آزادانه دیدگاه‌ها انجام دهد. این سه حق، همان حق‌های اساسی هستند که جامعه مدنی بر آن‌ها استوار است.^۲

فضای مدنی اصطلاح چندان قدیمی نیست و سابقه استفاده از آن به دو دهه اخیر بعد از آغاز قرن ۲۱ برمی‌گردد. اتحاد جهانی جامعه مدنی به نام CIVICUS که در سال ۱۹۹۳ تأسیس شد، بعد از آغاز ابتکار فضای مدنی (Civic Space Initiative) در سال ۲۰۱۱، به صورت منظم از این واژه استفاده کرده است. با وجود اینکه خود این اصطلاح سابقه زیادی ندارد، حق‌های که فضای مدنی بر اساس آن‌ها بنیان‌گذاری شده است، ویژگی ضروری هر جامعه دموکراتیک بوده و پیشینه طولانی‌تر دارد و از همین طریق است که فضای

۱ <https://bit.ly/3clpdA7>

۲ <https://monitor.civicus.org/whatis-civicspace/>

مدنی با قواعد بین‌المللی حقوق بشر ارتباط یافته و ریشه‌های آن به نیمه قرن بیستم می‌رسد، زمانی که حق بر آزادی انجمن، حق بر آزادی تجمع مسالمت‌آمیز و حق بر آزادی بیان، در اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ گنجانده شد. بعد در سال ۱۹۶۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب، همین حق‌ها را به صورت مفصل‌تر بیان کرده و احترام و تضمین آن‌ها را بخشی از تعهدات بین‌المللی دولت‌ها برشمرد.

افغانستان در اواخر سال ۱۹۴۶ حدود یک سال بعد از تأسیس سازمان ملل متحد به عضویت این سازمان درآمد و یکی از ۴۸ دولتی بود که در زمان تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، به این سند تأثیرگذار بین‌المللی رأی مثبت داد. این واقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهد که دولت افغانستان در آن عصر به سازمان ملل متحد و قواعد بین‌المللی حقوق بشر نگاه مثبت داشته است. در خصوص فضای مدنی در نظام حقوقی افغانستان چارچوب قانونی نسبتاً کامل و کافی شکل گرفته است. توضیح مطلب اینکه دولت افغانستان از سال ۱۹۸۳ میلادی تاکنون عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است و این کنوانسیون بیش از هر سند بین‌المللی دیگر با حق‌های مربوط به فضای مدنی ارتباط دارد. پس از فروپاشی رژیم طالبان در سال ۲۰۰۱، زمینه مناسب برای شکل‌گیری فضای دموکراتیک و آماده برای فعالیت‌های مدنی و حقوق بشری در افغانستان ایجاد شد و با وجود چالش‌های گسترده، نهادهای مدنی و حقوق بشری سفر خود را در راستای تلاش برای تأمین حقوق و آزادی‌های اقلیت‌های مختلف مردم و نهادهای دموکراتیک آغاز کردند. با وجود برخی کاستی‌ها، جامعه مدنی نوپای کشور به تدریج شکل گرفت و با تصویب قانون اساسی در سال ۲۰۰۴ پایگاه حقوقی آن مستحکم شد. در مقدمه قانون اساسی جدید «ایجاد جامعه مدنی عاری از ظلم، استبداد، تبعیض و خشونت و مبتنی بر

قانون‌مندی، عدالت اجتماعی، حفظ کرامت و حقوق انسانی و تأمین آزادی‌ها و حقوق اساسی مردم» به‌عنوان یکی از اهداف برشمده است و این قانون در کنار برخی تأکیدات کلی بر ارزش‌ها و هنجارهای حقوق بشری صریحاً به سه حق بشری مرتبط با فضای مدنی پرداخته است. در ادامه این روند در دو دهه اخیر، قوانین و مقررات دیگری نیز در حمایت از حق بر آزادی بیان، حق بر برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز و حق بر دسترسی به اطلاعات تدوین و تصویب شده است. تصویب قانون اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات توسط دولت انتقالی در سال ۱۳۸۱ نشانه روشن بر اهمیت فضای مدنی و جایگاه برجسته حقوق مرتبط با آن در نگاه مسئولان نظام سیاسی کنونی است و می‌توان آن را تضمینی برای استفاده فعالان مدنی و شهروندان از ابزار اعتراض مدنی برای دستیابی به اهدافشان برشمرد. عملاً نیز شهروندان افغانستان توانسته‌اند در دوره جدید از این دسته از حقوق بشری خود بهره‌مند شده و مطالبات خود را از طریق استفاده آزادانه از رسانه‌ها، تأسیس انجمن‌های مختلف و برگزاری تظاهرات، اعتصابات و تحصن به گوش مسئولان دولتی برسانند. رویکرد دولت افغانستان نیز معمولاً به‌خصوص در ۱۳ سال اول این دوره در قبال تشکل‌های مردمی، آزادی بیان و تظاهرات و اجتماعات مردم مثبت، حمایتی و تشویقی بوده است. در گزارش وزارت امور خارجه امریکا در مورد وضعیت حقوق بشر در جهان در سال ۲۰۱۶ نیز بیان شده است که در دوره جدید افغانستان، به‌صورت کلی نسبت به حق آزادی بیان و آزادی تجمع مسالمت‌آمیز احترام گذاشته شده است.^۱

باین‌حال به نظر می‌رسد از سال ۲۰۱۴ به این‌سو رویکرد دولت افغانستان در این خصوص تغییر کرده و فضای عمومی برای جامعه مدنی و مدافعان حقوق

^۱. گزارش وضعیت حقوق بشر در جهان (بخش افغانستان)، وزارت خارجه ایالات متحده امریکا،

<https://bit.ly/3t9RCzS>

بشر روزبه‌روز محدودتر شده است. این تغییر منفی وضعیت و گرایش دولت افغانستان به سمت محدودسازی فضای مدنی هم در حوزه قانون‌گذاری و هم در عرصه عملی و واقعیت جاری جامعه قابل‌مشاهده است. تغییر ساختار حقوقی به‌منظور محدودسازی فعالان مدنی و حقوق بشری و تنگ‌تر شدن فضای مدنی در افغانستان باعث نگرانی فزاینده شده است. برخی فعالان این عرصه به‌صراحت گفته‌اند که هرچند قانون اساسی مصوب سال ۲۰۰۴ و قانون رسانه‌های جمعی مصوب سال ۲۰۰۹ هر دو بهره‌مندی شهروندان از حقوق مرتبط با فضای مدنی از جمله حق بر آزادی بیان را تضمین می‌کنند، اما در سال‌های اخیر استفاده از این حق‌ها در عمل، با دشواری‌هایی روبه‌رو شده است.^۱

در این تحقیق، تغییر رویکرد دولت افغانستان به‌سوی محدودسازی فضای مدنی برای مدافعان حقوق بشر به‌عنوان مسئله اصلی مطرح شده و مورد بحث قرار گرفته است. این گزارش تحقیقی یک گزارش توصیفی-تحلیلی است، به این معنا که ابعاد و جنبه‌های مختلف محدودسازی فضای مدنی برای مدافعان حقوق بشر در افغانستان و حقوق مرتبط با آن توصیف‌شده و در برخی موارد زمینه‌ها و پیامدها نیز مورد تحلیل قرار گرفته است. معلومات مورد استفاده در این گزارش تحقیقی، عمدتاً از طریق مصاحبه با اعضای جامعه مدنی، کارشناسان حقوقی و خبرنگاران جمع‌آوری شده است. علاوه بر آن از گزارش‌ها و تحلیل‌هایی نشرشده در رسانه‌های معتبر و نهادهای مدنی نیز در تدوین گزارش کمک گرفته شده است. هدف این تحقیق آن است که مسئله محدودسازی فضای مدنی برای مدافعان و فعالان حقوق بشر در افغانستان به‌ویژه پس از سال ۲۰۱۴ به‌صورت یک مسئله جدی مطرح شده و لوازم و

^۱. انستیتوت جامعه مدنی افغانستان، وضعیت محیط مناسب برای جامعه مدنی در افغانستان کابل: انستیتوت جامعه

مدنی افغانستان، سپتامبر ۲۰۱۸. <https://bit.ly/3aiVPs8>

پیامدهای آن برای دولت و حکومت افغانستان به خصوص در دوران حساس کنونی که پروسه صلح در جریان است، برجسته شود. در این تحقیق ابتدا محدودیت‌های که از سوی دولت افغانستان در حوزه قانون‌گذاری در رابطه با فضای مدنی ایجاد شده است مورد بحث قرار می‌گیرد و بعد به محدودیت‌های پرداخته می‌شود که بیرون از حوزه قانون‌گذاری بوده و به واقعیت‌های عملی متن جامعه مربوط می‌شود. بعد از بررسی این دو دسته از محدودیت‌ها، از کل مطالب جمع‌بندی صورت گرفته و پیشنهادهای مختلفی برای دولت افغانستان، جامعه جهانی و جامعه مدنی مطرح خواهد شد.

از مجمع جنوب آسیا (SAC) برای ابتکار عمل در انجام کار مشترک و حمایت مالی از کمیته حقوق اقلیت‌ها در سطح کشورهای جنوب آسیا، ابراز امتنان می‌کنیم. انجام این تحقیق بدون همکاری‌های بی‌شائبه‌ی مسئولان و کارمندان شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر، میسر نبود؛ لذا از آقایان سید حسین انوش، رئیس اجرایی شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر، حسن‌علی فیض، مدیر تحقیق و مسعود آدرخش، مسئول ارتباطات این شبکه که در فراهم‌سازی امکانات و شریک ساختن دیدگاه‌های ارزشمندشان دریغ نکرده اند صمیمانه قدردانی می‌کنیم. از آگاهان امور، فعالان مدنی و محققان داخلی و خارجی که برای تکمیل موفقیت‌آمیز این گزارش، در انجام مصاحبه همکاری صمیمانه داشتند نیز سپاس‌گزاری می‌کنیم. امیدواریم انجام این کار تحقیقی از سوی شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر بتواند توجه دولت افغانستان را به مسئله محدود شدن فزاینده جامعه مدنی جلب کرده و زمینه‌ساز تحولات مثبت در این حوزه شود.

محدودسازی در حوزه قانون گذاری

پس از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱، نظام سیاسی جدید افغانستان زمینه را برای فعالیت‌های نهادهای جامعه مدنی به‌عنوان یک عنصر جدایی‌ناپذیر نظام سیاسی دموکراتیک فراهم کرد. ظهور مدافعان حقوق بشر یکی از دستاوردهای مهم بیست سال پسین در افغانستان به شمار می‌رود. با این حال شکل‌گیری فضای مدنی و ظهور فعالان مدنی و حقوق بشری، در یک روند دشوار و چالشی و مملو از فراز و نشیب اتفاق افتاده است. در چند سال اخیر بعد از ۲۰۱۴ به نظر می‌رسد روند تحول به‌سوی محدودسازی فضای مدنی بوده است. در این قسمت برخی از چالش‌های و محدودیت‌هایی که در حوزه قانون گذاری در ارتباط با فضای مدنی وجود دارد، پرداخته می‌شود.

قانون اساسی

نظام جدید افغانستان در کنفرانس بُن آلمان که از تاریخ ۲۱ نوامبر تا ۵ دسامبر ۲۰۰۱ ادامه یافت، پی‌ریزی شد. در این کنفرانس، شش محور عمده: امنیت، زنان، معارف، حقوق بشر، قانون اساسی و اقتصاد در جریان بازسازی افغانستان مورد بحث قرار گرفته و از جمله بر ارزش‌های حقوق بشری و نبود تبعیض جنسیتی در حکومت آینده افغانستان تأکید شد. بر اساس توافقنامه بُن، قانون اساسی جدید تدوین و در لوی جرگه ۱۳۸۲ تصویب شد. متن مصوب نیز در ششم دلو ۱۳۸۲ = ۲۰۰۴ میلادی توسط رئیس دوره انتقالی آقای حامد کرزی تأیید شد. در جریان تصویب این قانون در لوی جرگه، پس از موضوع جایگاه اسلام در نظام سیاسی افغانستان، دومین موضوعی که بیشترین گفتگو و مناقشه در مورد آن انجام شد، مسئله حقوق و جایگاه زن در نظام سیاسی

آینده افغانستان بود.^۱ برخی از اعضای لوی جرگه درصدد آن بودند که برای برجسته‌سازی هر چه بیشتر نقش اسلام، در مورد هر حق و آزادی بشری بلافاصله «در چارچوب اسلام» قید شود. در اثر گفتگوها میان مخالفان و موافقان نقش اسلام در نظام سیاسی و در نتیجه‌ی حمایت‌هایی که از سوی نمایندگان سازمان ملل متحد و دولت‌های غربی صورت گرفت، در این قانون اساسی ارزش‌های حقوق بشری به صورت کلی از جایگاه ممتازی برخوردار شده است. در مقدمه قانون اساسی جدید «ایجاد جامعه مدنی عاری از ظلم، استبداد، تبعیض و خشونت و مبتنی بر قانون‌مندی، عدالت اجتماعی، حفظ کرامت و حقوق انسانی و تأمین آزادی‌ها و حقوق اساسی مردم» به عنوان یکی از اهداف برشمرده است و بر رعایت منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر و احترام به کرامت و حقوق انسانی تأکید شده است. در ماده ۶، حفظ کرامت انسانی و حمایت از حقوق بشر از تکالیف حکومت برشمرده شده است. در ماده ۷ این مطلب که دولت منشور ملل متحد، معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی که افغانستان عضو آن است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت خواهد کرد، یک‌بار دیگر مورد تأیید قرار گرفته است. مفاهیم به‌کاررفته در این فرازها، به‌روشنی بیانگر هنجارهای بین‌المللی حقوق بشر است. در مواد مختلف این قانون اساسی، به حق آزادی بیان، حق بر آزادی تشکل و حق بر آزادی تجمع مسالمت‌آمیز مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین می‌توان گفت در قانون اساسی افغانستان، فضای مدنی و نهادهای فعال در این حوزه به رسمیت شناخته شده و زمینه برای فعالیت آن‌ها در نظام سیاسی افغانستان فراهم شده است.

^۱ علیزاده، احمد، (۱۳۸۳)، فرایند شکل‌گیری قانون اساسی افغانستان، کابل: انتشارات کمیسیون مستقل حقوق بشر

افغانستان، ج ۴. (علیزاده، ۱۳۸۳: ۳۲۶)

با تمام آنچه گفته شد، این نکته را نمی‌توان فراموش کرد که قانون اساسی افغانستان نتیجه یک مصالحه و سازش میان دو جریان مخالف فکری بوده است و در متن کنونی قانون اساسی، خواسته‌های هر دو طرف گنجانده شده است. در کنار آنچه در مورد محتوای حقوق بشری قانون اساسی بیان شده، برای جلب رضایت محافظه‌کارانی که خواستار جایگاه بالاتر اسلام در قانون اساسی بودند، در ماده ۳ قانون اساسی بیان شده است که بر اساس آن در افغانستان هیچ قانونی نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین اسلام باشد. در نتیجه، قانون اساسی افغانستان در عین اینکه از یک جهت پیشرفته و مطابق ارزش‌های حقوق بشری است، از جهت دیگر، ماهیت محتاطانه و محافظه‌کار دارد. به عبارت دیگر، با وجود این که این قانون دولت افغانستان را به رعایت منشور سازمان ملل متحد و معاهدات بین‌المللی‌ای که به آن ملحق شده است، مکلف می‌داند، ماده‌ی سوم آن در مقابل هر قانونی که «مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام» باشد، مقاومت می‌کند. معتقدات و احکام دین اسلام عبارت عام، مبهم و قابل تفسیر است و در نتیجه از این ظرفیت برخوردار است که برخی نهادهای دولتی با استناد به آن با بسیاری از ارزش‌های حقوق بشری مخالفت کند. وجود این دو دسته از مواد ناهم‌خوان در قانون اساسی باعث است که در زمان اختلاف در خصوص مسائل حقوق بشری، هر طرف به بخشی از قانون اساسی استناد کنند. چنانکه در ماجرای قانون احوال شخصیه اهل تشیع و قانون منع خشونت علیه زنان همین اتفاق افتاد، در آینده نیز ممکن است برخی برای محدودسازی فضای مدنی برای افراد و نهادهایی که در راستای ترویج ارزش‌های حقوق بشری تلاش می‌کنند، به ماده سوم قانون اساسی در مورد جایگاه اسلام استناد کنند. بنابراین وجود این ماده در قانون اساسی به دلیل ظرفیت تفسیرپذیری آن می‌تواند یک

زمینه قانونی چالش‌انگیز برای ایجاد محدودیت برای مدافعان حقوق بشر تلقی شود.

قوانین مربوط به آزادی بیان

اصطلاح ترکیبی «حق بر آزادی بیان» به این معنا است که افراد و گروه‌ها می‌توانند به انواع مختلف اطلاعات و معلومات مورد نیاز خود دسترسی داشته و از فرصت و امکانات لازم برخوردار باشند تا افکار و عقاید خود را با استفاده از وسایل مختلفی که در دسترس دارد، به دیگران ارائه کنند. «آزادی بیان» مانند آزادی سخن گفتن و آزادی مطبوعات- از تعدی حکومت در حق افراد نسبت به اظهار افکار سیاسی، هنری، فرهنگی‌شان جلوگیری می‌کند. در یک جامعه متکثر تمام اعضا تا وقتی که این بیانات از مرزهای نجات عبور نکرده و یا مشتمل بر دروغ‌های نباشد که به دیگران آسیب می‌زند، باید از آزادی بیان افکار و دیدگاه خود برخوردار باشند.»^۱

در بسیاری از اسناد حقوق بشری آزادی بیان به‌عنوان یکی از حق‌های مرتبط با فضای مدنی مورد تأکید قرار گرفته است. به‌عنوان مثال در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر در مورد حق آزادی بیان آمده است: «هر کس حق آزادی نظر و بیان دارد و این حق شامل آن است که بدون دخالت و آزادانه نظرات خود را نگه دارد و از طریق رسانه‌ها و بدون توجه به مرزها اطلاعات و افکار را جستجو، دریافت و بیان کند.» در بند ۲ ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی نیز در این مورد بیان شده است: «هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی جستجو، دریافت و اشاعه هر نوع اطلاعات و افکار، بدون توجه به مرزها، به‌صورت شفاهی، در قالب نوشته، به شکل چاپی، به‌صورت

^۱ Maddex, Robert L. International Encyclopedia of human rights: freedoms, abuses and remedies, Washington D.C. CQ press, 2000, P.134.

هنری یا از طریق هر رسانه‌ی انتخابی دیگر می‌شود.» در بند ۱ ماده ۲ این کنوانسیون در مورد تعهدات دولت‌ها در قبال حقوق بشری مندرج در این سند، عبارت (Ensure) به معنای تضمین کردن به‌کاررفته است. استفاده از این واژه به‌خوبی دلالت دارد بر اینکه که دولت‌های عضو میثاق ملزم هستند تا یکسری اقدامات ایجابی و مثبت را برای تحقق کامل حقوق حمایت‌شده در کنوانسیون انجام دهند. بنابراین صرف ممانعت نکردن دولت کافی نیست بلکه زمینه‌سازی برای بهره‌مندی عملی شهروندان از این حق بشری، بخشی از تکالیف دولت است.^۱

دولت افغانستان در دوره بعد از سقوط طالبان نیز به موضوع آزادی بیان توجه خاص داشته است و لذا علاوه بر مواد قانون اساسی، چند قانون عادی در طول این سال‌ها در مورد آزادی بیان به تصویب رسیده است. بلافاصله بعد از سقوط حکومت طالبان، قانون مطبوعات تصویب شد. در ماده اول این قانون بیان‌شده که این قانون به تأسی از ماده ۳۱ قانون اساسی ۱۳۴۳ و رعایت ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق بشر، به‌منظور تأمین حق آزادی فکر و بیان و تنظیم مطبوعات در کشور وضع گردیده است. ساختار دموکراتیک نظام و تحولات پرشتاب عصری اقتضا می‌کرد که قانون مطبوعات افغانستان تعدیل‌شده و دگرگونی‌هایی که پاسخگوی نیازهای جدید باشد، در آن به وجود آید. سرانجام دو سال بعد قانون رسانه‌های همگانی تصویب و منتشر شد. در این قانون برای اولین بار کلمات و تعابیر رسانه‌های همگانی، آزاد، مستقل و کثرت‌گرا ذکر شده بود که بتواند با ساختار نظام سیاسی جدید افغانستان همخوانی بیشتر داشته باشد و فضای مدنی باز و متکثری را به وجود بیاورد. باوجود برخی دستاوردهای ارزشمند، محتوای این قانون به علت برخی کاستی‌ها از جمله مکلف دانستن

۱. مختارحسین حیدری، حقوق بشر، کابل: نشر واژه، ص ۲۳۴، چاپ دوم.

رسانه‌های برقی برای گرفتن جواز از رادیو و تلویزیون ملی افغانستان و استفاده از کلمات و تعبیرهای کلی، مبهم و تعریف‌نشده‌ای مانند، افتراء، هتک حرمت، احکام اسلامی، توهین و امثال آن که می‌توانست زمینه محدودیت فعالیت رسانه‌ای را فراهم سازد، مورد اعتراض بود. این کاستی‌ها بار دیگر ضرورت بازنگری در قانون رسانه‌ها را مطرح کرد. بعد از کش‌وقوس‌های زیاد، در ماه سرطان سال ۱۳۸۵ پیش‌نویس جدید قانون رسانه‌های همگانی برای بررسی و تصویب به مجلس شورای ملی فرستاده شد. اولین باری بود که پارلمان کشور در دوره جدید، می‌توانست در مورد قانون مرتبط با رسانه‌ها تصمیم بگیرد. در جریان بررسی پارلمان یک نسخه از متن تهیه‌شده به دست نهادهای صنفی ژورنالیستان افتاده بود و موجی از انتقاد و اعتراض آغاز شد. در این پیش‌نویس از جمله مواد نشرات ممنوعه از چهار فقره به یازده فقره افزایش یافته و کلماتی مانند آزاد، مستقل و کثرت‌گرا از آن حذف شده بود. کشمکش میان طرف‌های مختلف در خصوص محتوای این قانون ادامه یافت و در بهار ۱۳۹۱ وزارت اطلاعات و فرهنگ با انتشار متن بازنگری شده قانون رسانه‌ها، اعلام کرد که در نظر دارد پس از نظرخواهی عمومی آن را برای تصویب به شورای ملی ارائه کند. اما انجمن روزنامه‌نگاران آزاد افغانستان این پیش‌نویس را سرشار از ابهام توصیف کرده و بیان داشت که علی‌رغم افزایش تعداد مواد آن، طرح جدید با قانون پیشین رسانه‌ها تفاوتی زیادی ندارد. این انجمن در اعلامیه‌ای موارد «ممنوعه» در این پیش‌نویس را «مبهم و نامشخص» خوانده و نوشت که مطالب «مغایر دین اسلام»، مفهوم «امنیت عامه» و «منافع عمومی» تعریف مشخصی ندارند.^۱ قانون مصوب ۱۳۸۸ البته بعد از اعمال تعدیل و ایزاد سال ۱۳۹۳ قانون نافذالاجرای افغانستان در خصوص آزادی بیان و فعالیت‌های رسانه‌ای است.

^۱. سایت بی‌بی‌سی فارسی، تاریخ ۳۰ ثور ۱۳۹۱، <https://bbc.in/3kWvg5G>

هرچند در شش سال اخیر این قانون در جهت محدودسازی فعالیت رسانه‌ای تغییر نکرده است، اما در عین حال باید توجه داشت که در این قانون ماده‌های محدودکننده و اصطلاحات مبهمی وجود دارد که می‌تواند به‌عنوان مستندی برای تحت فشار قرار دادن فعالان رسانه‌ای مورد استفاده قرار گرفته و زمینه‌ساز محدودسازی فضای مدنی بشود. به‌عنوان مثال، در مقدمه این قانون با برجسته‌سازی ماده سوم قانون اساسی که بر مبنای آن، هیچ قانونی نمی‌تواند در مغایرت با اصول دین اسلام باشد، بر نقش دین تأکید شده است. همچنین، فصل نوزدهم این قانون با استفاده از تعبیرهای مبهم، برخی از مطالب را ممنوع قرار داده است. عبارت‌های مانند «مغایر دین اسلام»، توهین و افترا قابل تفسیر موسع و مختلف بوده و می‌تواند زمینه محدودسازی فعالیت رسانه‌ای را از سوی نهادهای مجری قانون فراهم کند. نکته مهم دیگر اینکه، قانون رسانه‌های جمعی ماده‌ی را به تأسیس کمیسیون شکایات رسانه‌ای در وزارت اطلاعات و فرهنگ در نظر گرفته بود. این کمیسیون که توسط وزیر اطلاعات و فرهنگ رهبری می‌شد، به بهانه‌ی نقض مقررات رسانه‌ای تا حد زیادی به ابزاری برای ارباب مطبوعات و کنترل رسانه‌ها تبدیل شده بود.^۱ در سال ۱۳۹۴ (۲۰۱۵ میلادی)، به دنبال افزایش نگرانی و برافروختگی روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌ها در سراسر کشور، حکومت این کمیسیون را منحل کرد.

به نظر می‌رسد با توجه به تحولات چند سال اخیر این قانون از نظر حکومت افغانستان رضایت‌بخش نیست و به همین دلیل در چند سال اخیر طرح جدید قانون رسانه‌های همگانی از سوی حکومت تهیه و در تابستان ۱۳۹۹ برای تکمیل مراحل قانون‌گذاری به پارلمان فرستاده شد. این طرح زمینه‌ساز اعتراض

^۱ مرکز خبرنگاران افغانستان، یک پیروزی سخت برای رسانه‌ای افغانستان: کمیسیون شکایات رسانه‌ای منحل شد،

مرکز خبرنگاران افغانستان، ۶ می، ۲۰۱۵، <https://bit.ly/2MdKgrH>

جدی جامعه‌ی رسانه‌ای شد و به دنبال این اعتراضات، طرح دوباره از مجلس نمایندگان به حکومت استرداد شد. طی نشست کمیته‌ی مشترک به ریاست معاون دوم ریاست جمهوری، تصمیم گرفته شد تا کمیته‌ی تخنیک‌ی برای بررسی خواست جامعه‌ی رسانه‌ای ایجاد شود و این کمیته در مورد لغو طرح جدید یا اصلاح فیصله نهایی را صادر کند.^۱

قانون دسترسی به اطلاعات

حق آزادی بیان بر این پیش‌فرض استوار است که هر انسانی به‌صورت برابر با دیگران صاحب خرد، احساس و اندیشه است و در نتیجه به‌صورت برابر با دیگران حق دارد آنچه در ضمیر و اندیشه می‌گذرد به دیگران منتقل کند. آزادی بیان به‌مثابه یک حق مهم بشری از دو بخش تشکیل شده و شامل دو مؤلفه و عنصر تشکیل‌دهنده است: بخش اول تشکیل‌دهنده حق بر آزادی بیان، حق بر جستجو و کسب اطلاعات و افکار و اندیشه‌ها است. منطقاً کسی می‌تواند بیان داشته باشد که پیش از آن چیزی در ذهن و اندیشه خود داشته باشد. در نتیجه کسب و جستجوی اطلاعات و افکار، مقدمه و پیش‌شرط بیان آزادانه است.^۲ با توجه به این نکته، دولت افغانستان علاوه بر قانون رسانه‌های همگانی، به قانون‌گذاری در خصوص دسترسی به اطلاعات نیز پرداخته است. ماده پنجاهم قانون اساسی افغانستان حق دسترسی به اطلاعات مربوط به بخش‌های دولتی را تضمین کرده است. قانون دسترسی به اطلاعات که نخستین اقدام قانونی از نوع خود در افغانستان به شمار می‌رود، نهادهای دولتی را موظف دانسته است تا در صورت درخواست عموم مردم اطلاعات را در دسترس آنان قرار دهند. به

^۱. روزنامه اطلاعات روز، ۲۳ سرطان ۱۳۹۹، <https://bit.ly/3KvOVx>.

^۲. عبدالعزیز نوری، حقوق بشر، کابل: دانشگاه کاتب، ص ۱۶۵

همین ترتیب، این قانون دولت را ملزم می‌سازد تا از دسترسی مردم به همه اطلاعات برای تحقق حقوق بشری‌شان و پاسخگویی مقامات مسئول در پرتو شفافیت و جلوگیری از فساد، اطمینان حاصل کند.^۱

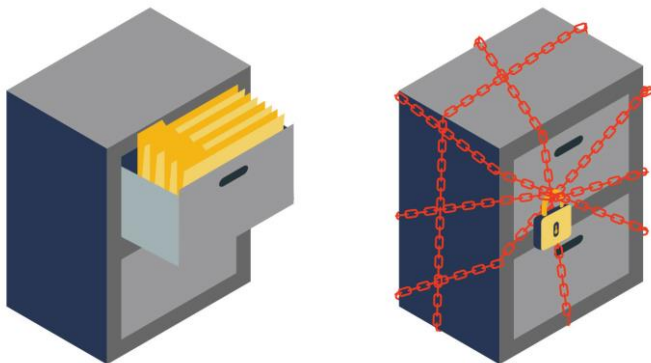
قانون دسترسی به اطلاعات نیز در مراحل تدوین و تصویب، روند پرجنبجالی را طی کرده است. پیش‌نویس اولیه این طرح در حوت سال ۱۳۹۰ توسط وزارت اطلاعات و فرهنگ تهیه‌شده و به وزارت عدلیه فرستاده شد، اما در مدت بیش از دو سال سرنوشت این طرح قانونی نامعلوم بوده و روند طی مراحل اداری آن به درازا کشید. این روند به قدری طولانی شد که برخی از نهادهای مدنی و حامی رسانه‌ها، حکومت را به کارشکنی عمدی متهم کردند.^۲ بالاخره این طرح قانونی از سوی حکومت نهایی شده و در بهار ۱۳۹۳ به پارلمان فرستاده شد. در جلسه روز دوشنبه ۹ سرطان ۱۳۹۳، نمایندگان حاضر در ولسی جرگه طرح قانونی را به بحث گذاشته و ضمن تعدیل چهار مورد (در سه ماده) آن را در شش فصل و ۳۲ ماده با اکثریت آرا تصویب کردند و این عمل مورد تأیید فعالان مدنی و رسانه‌ای از جمله موسسه «نی» و اتحادیه ژورنالیستان افغانستان قرار گرفت. در ادامه این مصوبه ولسی جرگه از سوی مشرانو جرگه رد شده و کار به تأسیس هیئت مختلط رسید و متن قانون در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۲۶ توسط هیئت مختلط ولسی جرگه و مشرانو جرگه تصویب شد. قانون در تاریخ ۱۳۹۳/۸/۲۴ از سوی رئیس‌جمهور توشیح شده و در جریده رسمی ۱۱۵۶ در تاریخ ۲ جدی همان سال منتشر شد. بر اساس مفاد قانون دسترسی به اطلاعات، نهاد حمایتی به نام

۱. سازمان عفو بین‌الملل، «افغانستان: قانون دسترسی به اطلاعات را اجرا کند»، سازمان عفو بین‌الملل، ۵ فبروری

<https://bit.ly/2BIQqEd>، ۲۰۲۰

۲. سایت بی‌بی‌سی فارسی، تاریخ ۱۲ سرطان ۱۳۹۱، <https://bbc.in/3v67d5u>

«کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون حق دسترسی به اطلاعات در افغانستان»
تأسیس شده و فعالیت‌های خود را آغاز کرده است.



پیش از تصویب این قانون، روزنامه‌نگاران افغانستان و سازمان‌های جامعه مدنی و حقوق بشری به‌طور مداوم از دسترسی به اطلاعات دفاتر و مقامات دولتی محروم شده بودند و در جریان گزارش دهی مورد تهدید، ارباب و خشونت قرار می‌گرفتند.^۱ مقامات دولتی از ترس افشا شدن کم‌کاری، فساد و رسوایی‌هایشان، به خبرنگاران اجازه‌ی دسترسی به اسناد دولتی را نمی‌دادند. قانون دسترسی به اطلاعات، ابزاری قانونی محکمی برای فعالان رسانه‌ای فراهم ساخت تا مقامات دولتی را به در اختیار گذاشتن اطلاعات لازم وادار سازند. تصویب قانون دسترسی به اطلاعات اقدام امیدوارکننده‌ای برای تحکیم آزادی مطبوعات و آزادی بیان و بهبود شفافیت و پاسخگویی بود، اما این قانون در صورتی مؤثر است که عملاً تطبیق شود. در صورتی که قانون به‌صورت مؤثر اجرایی نشود، وضع قانون یا به‌کلی فاقد فایده بوده یا تأثیرگذاری ناچیزی خواهد داشت. باوجوداینکه چند سال از تصویب این قانون گذشته است، عملاً فعالان

^۱. سازمان عفو بین‌الملل، «افغانستان: قانون دسترسی به اطلاعات را اجرا کند»، سازمان عفو بین‌الملل، ۵ فبروری ۲۰۲۰. <https://bit.ly/2BIQqEd>

رسانه‌ای دسترسی چندانی به اطلاعات موردنیازشان ندارند و در عمل محدودیت‌های شدید دولت در ارائه اطلاعات موردنیاز فعالان رسانه‌ای، به‌عنوان یک مشکل جدی مطرح بوده و فعالان این عرصه نسبت به آن شکایت داشته‌اند.^۱ نکته دیگر اینکه، در پرتو این قانون، دولت باید از افرادی که پرونده‌های فساد، سوء مدیریت و نقض حقوق بشر را فاش می‌کنند، محافظت کند، اما هنوز مکانیزم حمایتی مشخص برای افراد فاش‌کننده‌ی موارد فوق ایجاد نشده است و به همین دلیل، فعالان رسانه‌ای نمی‌توانند با اطمینان از اطلاعات به‌دست‌آمده در گزارش‌ها و تحلیل‌های خود استفاده کنند.

چالش دیگر در خصوص اجرای مؤثر قانون دسترسی به اطلاعات، عدم آگاهی عامه از موجودیت و اهمیت نقش آن است. بسیاری از شهروندان در مورد آن یا هیچ اطلاعی ندارند یا از نقش تأثیرگذار این قانون به‌عنوان ابزار قانونی محکم برای اعمال فشار بر نهادها و مقامات دولتی آگاه نیستند و به همین دلیل آن‌ها حتی وقتی با چالش‌ها و موانع مواجه می‌شوند، نمی‌توانند از حقوق قانونی خود در مورد دسترسی به اطلاعات استفاده کنند. برای رفع این مشکل و بالا بردن سطح آگاهی عامه و معرفی این قانون برای عموم شهروندان، برنامه‌های جدی و هدفمند موردنیاز است.

قانون مربوط به تجمعات مسالمت‌آمیز

حق آزادی تجمع، اجتماع و اجتماعات به زبان فارسی معادل Right to Freedom of Assebly بکار برده شده است. در رهنمود تجمعات

^۱. حسیب مودودی، ناظران رسانه‌های افغانستان خواستار تطبیق پالیسی اطلاعات اند، بی‌بی‌سی، ۵ فروری ۲۰۲۰،

<https://bit.ly/307XimU>.

مسالمت‌آمیز که از سوی بخش حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا^۱ تهیه و منتشر شده است، تجمع این‌گونه تعریف شده است: «حضور ارادی و موقت تعدادی از افراد در یک مکان عمومی برای یک هدف مشخص و مشترک»^۲ گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد حق آزادی تجمع و تشکل نیز گفته است: «گردهمایی ارادی و موقت در یک مکان عمومی یا خصوصی برای یک هدف خاص.» از نظر این گزارشگر، مفهوم تجمع شامل تظاهرات، جلسات داخلی، اعتصابات، راه‌اندازی دسته‌های منظم و تحصن می‌شود.^۳ بنابراین می‌توان گفت حق بر آزادی تجمعات به این معنا است که افراد و گروه‌ها می‌توانند آزادانه در مکان‌های مورد نظرشان تجمع و گردهمایی مسالمت‌آمیز برگزار نمایند یا در این نوع تجمعات شرکت کنند.

در بسیاری از اسناد بین‌المللی حقوق بشری، حق آزادی اجتماعات مطرح شده است. به‌عنوان مثال در ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر در مورد حق آزادی اجتماعات آمده است: «هر کس حق دارد آزادانه اجتماعات و انجمن‌های مسالمت‌آمیز تشکیل دهد.» در ماده ۲۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز در این مورد بیان شده است: «حق اجتماعات مسالمت‌آمیز به رسمیت شناخته می‌شود. اعمال این حق تابع هیچ نوع محدودیتی نخواهد بود جز آنکه بر طبق قانون بوده و در یک جامعه دموکراتیک به خاطر مصلحت امنیت ملی، امنیت عمومی یا نظم عمومی، یا حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌ها دیگران ضرورت داشته باشد.»

^۱OSCE= Organization for security and Cooperation of Europe.

^۲Guidelines on freedom of Assembly page 15.

^۳Report of the Special Rapporteur on the rights to freedom of peaceful assembly and of association, UN Doc. A/HRC/20/27, 21 May 2012, para 24.

قانون اساسی افغانستان به شهروندان این حق را می‌دهد که جمعیت‌هایی را تأسیس و گردهمایی را برگزار کنند تا این‌گونه بتوانند خواسته‌هایشان را به شکل مسالمت‌آمیز با مسئولان در میان بگذارند. طبق ماده ۳۶ آن، اتباع افغانستان حق دارند تا برای رسیدن به اهداف مشروعشان، بدون حمل سلاح، گردهمایی و تظاهرات برگزار کنند. این ماده از قانون اساسی اولاً حق هر شهروند کشور نسبت به تشکیل و شرکت در تجمعات بیان داشته است و ثانیاً بر صلح‌آمیز، قانونی و غیرمسلحانه بودن تجمعات تأکید کرده است. علاوه بر قانون اساسی، در نظام سیاسی جدید برخی قوانین عادی نیز در این خصوص تدوین و تصویب شده است. در سال ۱۳۸۱ = ۲۰۰۲ میلادی قانون اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات تصویب و به فرمان رئیس دولت انتقالی تنفیذ و در جریده رسمی شماره (۸۰۵) منتشر شد. تصویب این قانون به معنای تلاش برای تحکیم حقوق بشر و تقویت فضای باز در کشور بود. از جمله در ماده دوم این قانون آمده است: «اتباع کشور حق دارند برای تأمین مقاصد جایز و صلح‌آمیزی که منافی وحدت ملی و احکام قانون اساسی نباشد، بدون حمل سلاح و مطابق احکام این قانون، اجتماعات، تظاهرات و اعتصابات را راه‌اندازی نمایند.» طبق ماده ششم این قانون دولت مکلف است امنیت و مصونیت اجتماعات، اعتصابات و تظاهرکنندگان را تأمین نماید.

در مدت حدود ۱۵ سال بر اساس مفاد این قانون، تجمعات مختلف در سراسر کشور برگزار شده و شهروندان افغانستان توانستند از حق برگزاری تجمع مسالمت‌آمیز خود استفاده کنند. در این میان در چند سال اخیر به علت وخامت وضعیت امنیتی، بر بعضی از تجمعات و تظاهرات مسالمت‌آمیز و مدنی شهروندان حمله انتحاری صورت گرفته و این حملات تلفات گسترده باقی گذاشت. در طول دوره‌ی حکومت وحدت ملی، چندین تظاهرات در کابل و سایر

ولایات برای به چالش کشاندن سیاست‌های دولت برگزار شد.^۱ تظاهرات دادخواهانه برای فرخنده در ماه مارچ ۲۰۱۵، جنبش تبسم در نوامبر ۲۰۱۵، دو اعتراض گسترده‌ی جنبش روشنایی در سال ۲۰۱۶ و رستاخیز تغییر در سال ۲۰۱۷ از امر دولت سرپیچی کردند. این اعتراضات و ناتوانی دولت در کنترل مسالمت‌آمیز آن‌ها، شورای امنیت ملی افغانستان را واداشت تا در پی تعدیل قانون برای وضع محدودیت برای تظاهرات برآید. در سال ۲۰۱۷، دفتر شورای امنیت ملی دستور تعدیل این قانون را صادر و تغییرات قابل توجهی را پیشنهاد کرد. طرح اولیه این قانون در اواخر بهار ۱۳۹۶ = ۲۰۱۷ میلادی با انتقادهای زیادی مواجه شد و بسیاری از فعالان مدنی آن را با قانون اساسی و ارزش‌های دموکراتیک مغایر دانستند.^۲ طرح اولیه در برخی موارد به صورت مستقیم حق تظاهرات و اعتراضات مدنی را محدود کرده بود و در بعضی موارد ابهام در ماده‌های قانونی این امکان را برای حکومت و نهادهای امنیتی فراهم کرده بود تا در هرجایی که لازم بدانند به اعمال محدودیت و حتی برخورد با تظاهرات‌کنندگان دست بزنند.^۳ این محدودیت‌ها به اندازه بود که نهادها و فعالان مدنی در قبال آن موضع گرفته و تصویب نهایی و تطبیق این قانون را غیرقابل قبول اعلام کرده‌اند. در تابستان ۱۳۹۶ کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با نهادها و فعالان جامعه مدنی جلسه مشورتی دوازده روزه برگزار کرده و

^۱. احسان قانع، قانون جدید افغانستان در مورد آزادی اجتماعات: فضای تظاهرات را محدود می‌سازد، شبکه تحلیلگران

افغانستان، ۲۶ اگست ۲۰۱۷، <https://bit.ly/3cd5wsg>.

^۲ <http://8am.af/1396/04/27/civil-society-protests-against-community-laws-and-strikes/>

^۳ <http://8am.af/1396/04/27/a-law-that-legitimizes-repression/>

در تاریخ ۱۳۹۶/۵/۳ ضمن یک اعلامیه مطبوعاتی دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خود را در ۶ صفحه به نهادهای مربوط اعلان کرد.^۱

عکس صفحه اول از متن پیشنهادی جلسه مشترک

جلسه مشورتی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با نهاد های جامعه مدنی به منظور بازنگری طرح قانون اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات

بازنگری طرح قانون اجتماعات، اعتصاب و تظاهرات در جلسات که به تاریخ های ۱۳۹۶/۵/۳ و ۱۳۹۶/۵/۱ به اشتراک نهاد های جامعه مدنی در کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان دایر گردید که البته این جلسات در مطابقت با مصوبه شماره ۵ مورخ ۱۳۹۶/۴/۱۴ کابینه ج.ا.ا نیز قرار داشته و در این جلسات با توجه به نتیجه جلسه مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۲ کمیته محترم قوانین کابینه که تصمیم بر آن شده بود تا اصل استفاده از حق اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات بر مبنی سیستم اطلاع قبلی تنظیم و اجازه قبلی از آن حذف گردد. اما در طرح ارسال به کابینه ج.ا.ا. نه تنها تمام موارد مربوط به اجازه قبلی حذف نگردیده بلکه فقره ۲ ماده ۲۰ و فقره های ۲، ۳ و ۴ در ماده ۲۹ در مورد اجازه قبلی نیز اضافه شده است که توجه آن مقام محترم را در این خصوص با توجه به تصمیم کمیته محترم قوانین خواهیم.

در بازنگری طرح یاد شده با توجه به مطابقت آن با قانون اساسی کشور، کنوانسیون های حقوق بشری که افغانستان به رعایت آن با توجه به ماده هفتم قانون اساسی، متعهد است، اصل حاکمیت قانون، حکومت داری خوب، دست آورد های مردم افغانستان و با درک مسایل امنیتی کشور، نظریات و پیشنهادهای که در غنایندگی طرح یاد شده اهمیت به سزای دارد از جانب تمامی اشراک کنندگان نظریات توحیدی ارایه گردید تا این نظریات و پیشنهادهای قبل از جلسه محترم کابینه شامل طرح قانون اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات گردد.

این فعالیت‌ها سبب شد که حکومت دستور بازنگری این طرح قانونی را صادر نماید. اما از مقایسه متن نهایی با متن اولیه و پیشنهادهایی که ارائه شده بود، این نتیجه به دست می‌آید که همان طرح اولیه پس از بازنگری شکلی و تعدیل موارد اندک در تاریخ ۱۳۹۶/۶/۸ در کابینه تأیید شده و در تاریخ ۱۳۹۶/۶/۱۶ طی فرمان تقنینی شماره ۱۴۶ رئیس‌جمهور در ماه قوس در جریده رسمی نشر شده است. حدود یک ماه بعد از نشر در جریده رسمی مجلس نمایندگان پارلمان فرمان رئیس‌جمهوری در مورد قانون برگزاری اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات را رد کردند. برخی از نمایندگان با اشاره به وضعیت

^۱. برای دسترسی به اعلامیه صادر شده و متن پیشنهادی شش‌صفحه‌ای می‌توان به سایت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به آدرس ذیل مراجعه کرد: http://www.aihrc.org.af/home/press_release/6499

امنیتی، خواهان بحث بیشتر در این مورد بودند.^۱ مخالفان این فرمان را برخلاف قانون اساسی، ارزش‌های دموکراتیک می‌خواندند و بیان می‌داشتند که از جمله آزادی‌های اساسی افراد در هر جامعه‌ای حق داشتن اجتماعات و تظاهرات است تا افراد معترض نظریات خویش را ابراز کنند و از حکومت عملی شدن آن را بخواهند؛ اما شرایط وضع شده در این قانون سخت‌گیرانه و محدودکننده است.^۲ در این متن در عین تأکید بر حق آزادی اجتماعات در ماده ۴ آن، از نظر زمان، مکان و شرایط محدودیت‌های زیاد وضع شده است که زمینه‌ساز نگرانی جدی مدافعان حقوق بشر می‌شود. به‌عنوان مثال، در ماده ۳ بیان شده است که تظاهرات در مسیر معین باشد، اقدامات عاجل که مسئولان دولتی می‌توانند در برابر تظاهرات‌کنندگان در پیش بگیرند، بسیار وسیع تعریف شده است و به معنای «اتخاذ تدابیر لازم امنیتی است که شامل متوقف ساختن یا متفرق ساختن اشتراک‌کنندگان اجتماع، اعتصاب، مظاهره و تحصن، تخلیه محل، اعلام ختم اجتماع، اعتصاب، مظاهره و تحصن و گرفتاری اخلاص‌کنندگان در صورت بروز خشونت است.» در ادامه همین ماده، ایجاد موانع تخنیکی به معنای سد راه تظاهرات‌کنندگان معنا و در مواد بعدی با تشخیص مسئولان امنیتی مجاز دانسته شده است. طبق ماده مذکور، این حق برای پولیس محفوظ است که از موانع تخنیکی برای مسدود کردن مسیر تظاهرات‌کنندگان در صورتی که مقامات امنیتی آن را ضروری تشخیص دهند، استفاده کند. عبارات «موانع تخنیکی» و «در صورتی که مقامات امنیتی آن را ضروری تشخیص دهند» واضح نیستند و می‌توانند به تعابیر مختلف تفسیر شوند که احتمال سوءاستفاده از آن توسط نیروهای امنیتی برای بستن جاده‌ها به روی معترضان را افزایش می‌دهد.

^۱ سایت بی‌بی‌سی فارسی، ۲۵ جدی ۱۳۹۶، <https://bbc.in/38Fi8tj>

^۲ روزنامه ۸ صبح، ۲۵ جدی ۱۳۹۶، <https://bit.ly/3leEp62>

در ماده ۱۱ این فرمان آمده که اعتصاب‌کننده‌ها و مظاهره‌چیان نمی‌توانند در نزدیک تأسیسات نظامی، شفاخانه‌ها، مکاتب، سفارت‌خانه‌ها، راه‌های مزدحم و همچنین در تاریکی شب دست به تظاهرات و اعتصابات بزنند. همچنین، در فرمان گفته‌شده است که هیچ کارمند دولتی حق شرکت در تظاهرات و اعتصابات را ندارند.

در ماده ۱۸ این قانون آمده است: «هرگاه تشخیص شود که محل تجمع اجتماع، اعتصاب، مظاهره و تحصن بنا بر دلایل امنیتی مصون نبوده و ایجاب تخلیه را نماید، پولیس در مرکز بعد از هدایت وزیر داخله و در ولایات بعد از هدایت والی مربوط ابلاغیه مبنی بر ترک محل را صادر و سازمان دهندگان و اشتراک‌کنندگان مکلف‌اند، محل را به‌صورت عاجل ترک کنند.» مشکل این ماده در ابهام دلایل ناامن بودن مکان تجمع است که می‌تواند زمینه‌ی سوء تفسیر و احتمالاً سوء‌استفاده را برای پولیس فراهم کند و برای آنان این فرصت مساعد سازد تا با بازجویی از مظاهره‌کنندگان، حقوق آنان را محدود کنند. علاوه بر این، طبق ماده ۲۳ قانون اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات، «هیچ‌کس نمی‌تواند در حالت اضطرار، به اجتماع، اعتصاب، مظاهره یا تحصن مبادرت ورزد.» اصطلاح «وضعیت اضطرار» مبهم بوده و در این ماده هیچ توضیحی در مورد مقصود از آن ارائه نشده است. اگر منظور، حالت فوق‌العاده‌ی که رسماً برای مدت مشخص اعلان می‌شود و استفاده دولت از تعلیق تعهدات حقوق بشری باشد، مفاد این ماده خلاف قواعد بین‌المللی حقوق بشر نیست اما اگر مقصود، حالت اضطرار به‌صورت عام باشد، ممکن است این ماده، برای پولیس دستاویزی فراهم سازد که به‌راحتی مانع هر نوع تظاهرات، اعتراضات و تحصن‌های شود که نمی‌پسندد.

به صورت خلاصه می توان گفت محدودیت ها و قیدهایی که در این قانون برای برگزاری تجمعات و تظاهرات بیان شده است، چیزی قابل توجهی از حق آزادی بیان باقی نمی گذارد و نسبت به دستاوردهای قبلی دولت افغانستان در این زمینه به عنوان یک عقب گرد جدی محسوب می شود.

در کد جزای افغانستان که در چند سال اخیر تصویب و لازم الاجرا شده از جمله ماده ۲۶۲ به حق آزادی تجمع مسالمت آمیز ارتباط دارد. در بند ۷ همین ماده گفته شده است «هرگاه سازمان دهنده، بدون اطلاعیه کتبی و داشتن اجازه قبلی از مراجع ذیصلاح، اجتماع، اعتصاب یا مظاهره را به راه اندازد، به جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم می گردد.» در قانون مربوط به اجتماعات، تظاهرات و اعتصابات رویه اطلاع قبلی پذیرفته شده است ولی اینکه در این ماده از کد جزا برخلاف قانون اجتماعات، اجازه قبلی هم شرط شده و بدون اجازه قبلی، راه اندازی تجمعات جرم انگاری شده است، بدون شک خلاف ارزش های هنجارهای حقوق بشری و نوعی عقب گرد از سوی دولت افغانستان در زمینه سیاست های حمایتی از فضای مدنی است. گزارشگر ویژه آزادی اجتماعات معتقد است که استفاده از حق آزادی تجمع نباید منوط و وابسته به اجازه قبلی از حکومت باشد، اگرچه می توان اطلاع قبلی را به هدف ایجاد آمادگی برای برقراری نظم و امنیت از سوی حکومت مجاز دانست. در صورتی که برگزارکنندگان در اطلاع داده به حکومت ناکام شوند، برگزاری تجمع به صورت خودکار منحل نمی شود. در این صورت برگزارکنندگان نباید موضوع مجازات های کیفری یا اداری قرار گرفته و حبس یا جریمه شوند.^۱ بنابراین به نظر می رسد بخشی از این ماده که به اطلاع رسانی مربوط می شود، از نظر حقوق

^۱ Report of the Special Rapporteur on the rights to freedom of peaceful assembly and of association, UN Doc. A/HRC/20/27, 21 May 2012, para 26-28.

بشری مشکلی ندارد. قبل از برگزاری تظاهرات و اجتماعات باید به حکومت اطلاع داده شود تا حکومت تدابیر لازم را برای تأمین امنیت معترضان اتخاذ نماید. اما بخش دیگری این ماده که به اجازه قبلی مربوط است، مشکل ساز است این بخش محدودکننده حق شهروندی و آزادی‌های مدنی بوده و با هنجارهای حقوق بشری سازگاری ندارد.

قانون سازمان‌های غیردولتی (NGOs)

پس از سال ۲۰۰۱، شمار زیادی سازمان‌های غیردولتی (NGOs) به هدف تقویت ارزش‌های دموکراتیک و حمایت از برنامه‌های انکشافی به وجود آمد. پس از آن، در سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵)، دولت افغانستان به منظور حرفه‌ای ساختن، پاسخ‌گویی، تنظیم و قانونمندسازی فعالیت‌های این سازمان‌ها، قانونی را در خصوص آن‌ها به تصویب رساند، اما در سال ۱۳۹۶ (۲۰۱۷) با آوردن تعدیلات در این قانون سعی در وضع مقرراتی کرد که موجب انتقاد و مخالفت نهادهای جامعه مدنی و فعالان حقوق بشر شد و آنان این تعدیلات را محدودکننده و مشکل‌زا خواندند.^۱ تغییرات پیشنهادی چالش‌برانگیز دولت شامل موارد ذیل است: ۱. همه نهادهای غیردولتی باید هر سه سال یک‌بار، نهاد خود را ثبت کنند، ۲. دولت می‌تواند به «دلایل تخنیکی» از ثبت یک نهاد خودداری کند، ۳. نهادهای جامعه مدنی باید هنگام برگزاری مجمع عمومی سالانه‌ی خود، نماینده وزارت اقتصاد را دعوت کنند. ابهامات و مسائل ناشی از بسته‌ی تغییرات پیشنهادی می‌توانست زمینه‌ی سوءاستفاده و سردرگمی را فراهم کند؛ گزینه‌ی «ثبت نام مجدد» علاوه بر این که یک روند سنگین اداری را ایجاد می‌کرد، به

^۱. زمان سلطانی، محقق آسیای جنوبی در سازمان عفو بین‌الملل، مصاحبه‌کننده: عبدالرحمن یاسا، ۲۰ آوریل ۲۰۲۰.

دولت اجازه می‌داد که از ثبت‌نام مجدد یک نهاد جامعه مدنی خودداری کند که منجر به حذف خودکار آن‌ها می‌شد. به همین ترتیب، «دلایل تخنیکی» نه تنها مبهم است، بلکه به دولت اجازه می‌دهد به صورت خودسرانه از ثبت مجدد یک نهاد خودداری کند. دولت می‌خواست تا با ارسال نماینده خود در مجمع عمومی نفوذ خود را بر نهادهای جامعه مدنی حفظ کند. اعتراض‌ها و فریادهای نهادها و فعالان جامعه مدنی باعث شد تا دولت تعدیلات پیشنهادی خود را پس بگیرد.

محدودیت‌های عملی

ظهور قدرتمندانه رسانه‌های متنوع و آزاد به‌عنوان بخشی از روند دموکراتیک، یکی از موفقیت‌ها و دستاوردهای ارزشمند و قابل توجه افغانستان در دوره جدید بعد از ۲۰۰۱ به شمار می‌رود. پیش از سال ۲۰۰۱ تعداد رسانه‌ها در افغانستان محدود به رسانه‌ی ملی بود، اکنون این کشور میزبان صدها شبکه‌ی رادیویی و تلویزیونی خصوصی و انبوهی از مجله‌ها و روزنامه‌هاست که به‌طور منظم فعالیت دارند. رسانه‌های جدید در افغانستان به شکل فزاینده‌ای نقش حیاتی در عرصه‌های مختلف زندگی شهروندان افغانستان بازی می‌کنند که این نقش از جمله شامل شکل دادن افکار عمومی جامعه می‌شود. تحت تأثیر این فضایی که شکل گرفته بود، شهروندان افغانستان توانستند از حق تشکیل انجمن و برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز برای پیگیری مطالباتشان استفاده کنند. برخلاف رویکرد حمایتی و تشویقی در ۱۳ سال اول، احساس می‌شود در چند سال اخیر بعد از ۲۰۱۴ حکومت افغانستان روزبه‌روز به محدودسازی فضای مدنی بیشتر تمایل پیدا کرده است. این تمایل به محدودسازی را علاوه بر حوزه قانون‌گذاری، در واقعیت‌های جاری جامعه نیز می‌توان مشاهده کرد. هر چند اقدامات حکومت در حوزه قانون‌گذاری گاهی موفق و گاهی هم ناموفق بوده است در عمل، دولت افغانستان تلاش کرده است تا فضای مدنی را محدود سازد. این تلاش‌ها شامل بستن جاده‌ها با استفاده از تجهیزات نظامی و حمل‌ونقل تا حمله فیزیکی، دستگیری معترضان و حتی تیراندازی و هدف قرار دادن معترضان می‌شود.

وخیم‌تر شدن وضعیت امنیتی، افزایش حملات بر جنبش‌های اعتراضی و در نتیجه سرکوب اعتراضات مردمی، اثر مخربی بر برگزاری گردهمایی‌های مردم داشته است تا جایی که معترضان به‌راحتی جرئت نمی‌کنند در کابل اعتراضات

گسترده راه بیندازند. محدود شدن تدریجی فضای مدنی با اتکا به مواد مبهم برخی از قوانین به‌ویژه آخرین نسخه قانون اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات، باعث نگرانی فعالان جامعه مدنی شده است. ضیا مبلغ، یکی از فعالان حقوق بشر، به‌صورت هشدارآمیز وضعیت را این‌گونه توصیف می‌کند: «با توجه به درس‌های فراموش‌نشده شهروندان از تاریخ وحشتناک افغانستان، مردم چنین سرکوبگری به‌ویژه در عرصه‌ی آزادی بیان [...] و محرومیت از مشارکت معنادار مدنی را نمی‌پذیرند؛ زیرا مشارکت مردم، نظام جمهوری فعلی و دولت منتخب را حفاظت می‌کند. انزوای دولت و تلاش برای مقابله با شهروندان با توسل به هر راهی، به‌ویژه با سرکوب مشارکت مدنی و بستن حوزه‌ی فعالیت‌های دموکراتیک، مراحل اولیه‌ی انحطاط است که به‌احتمال‌زیاد منجر به یک دیکتاتوری مطلقه می‌شود و کشور را به‌سوی یک جنگ داخلی می‌برد.»^۱

محدودیت‌های عینی و عملی فضای مدنی برای مدافعان حقوق بشر علل و عوامل گوناگون دارد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

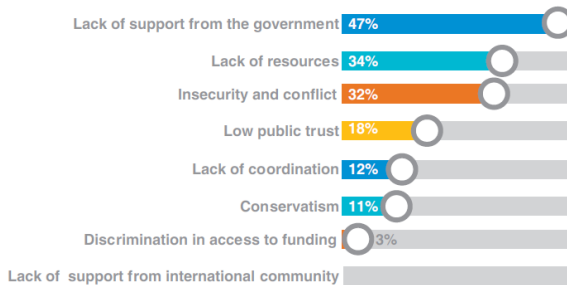
محدودیت‌های ناشی از عوامل سیاسی

فعالیت در فضای مدنی نیازمند احساس امنیت و وضعیت نسبتاً باثبات و آرام است و برای اینکه چنین وضعیتی شکل بگیرد، حمایت سیاسی نهادهای دولتی از فعالان مدنی و حقوق بشری لازم است. اما واقعیت جاری جامعه افغانستان نشان می‌دهد که فعالان جامعه مدنی و حقوق بشری افغانستان، حمایت و پشتیبانی کمی از دستگاه‌های دولتی دریافت می‌کنند و این موضوع بر تقویت و استمرار فعالیت‌ها در فضای مدنی، تأثیر منفی گذاشته است. در

^۱ ضیا مبلغ، قانون جدید تظاهرات، آگاهانه و محدودکننده حقوق شهروندان را به‌سوی ابهام می‌برد، روزنامه راه مدنی، ۱۲ جون ۲۰۱۷.

طول دو دهه گذشته، افغانستان یکی از کشورهایی بوده است که بیشترین فضای نامطلوب را برای فعالیتهای فعالان جامعه مدنی و حقوق بشری داشته است.^۱ روزنامه‌نگاران، فعالان جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر تحت تهدید مداوم برخی مقامات دولتی افغان، زورمندان، برخی نمایندگان پارلمان، رهبران بانفوذ، گروه‌های مسلح غیرقانونی، گروه‌های مافیایی و تروریستی از جمله گروه طالبان و اعضای داعش بوده‌اند. با وخیم‌تر شدن اوضاع امنیتی پس از سال ۲۰۱۴، به نظر می‌رسد اراده سیاسی برای حمایت از فعالان مدنی کاهش یافته

Figure 1: Main Challenges to an Enabling Environment for Civil Society



Source: The European Union, *Afghanistan: EU Country Roadmap for Engagement with Civil Society* (Brussels: EU, August 26, 2018), <https://bit.ly/3eT8gws>.

منبع: اتحادیه‌ی اروپا، افغانستان: نقشه‌ی راه اتحادیه‌ی اروپا برای مشارکت با جامعه مدنی

و فضای مدنی برای فعالان جامعه مدنی و حقوق بشر نیز محدودتر شده است. طبق گزارش اتحادیه‌ی اروپا که در سال ۲۰۱۸ نشر شد، عدم حمایت حکومت،

^۱. سازمان عفو بین‌الملل، «افغانستان: مدافعین حقوق بشر تحت حمله اند»، سازمان عفو بین‌الملل، ۲۸ اگست ۲۰۱۹.

<https://bit.ly/3dk3hFg>.

محدودیت‌های مالی و خشونت از جمله مهم‌ترین عواملی است که جامعه مدنی را با چالش مواجه کرده است.^۱

با توجه به اینکه آزادی بیان یکی از دستاوردهای اساسی دو دهه‌ی گذشته بوده است، تهدیدهای فزاینده علیه روزنامه‌نگاران، رسانه‌ها و فعالان جامعه مدنی این دستاورد را با خطر مواجه می‌سازد. به گفته‌ی روزنامه‌نگاران افغانستان، با توجه به ارباب و خشونت از طرف بازیگران دولتی و غیردولتی، عدم حمایت دولت افغانستان و روند کاهش کمی‌های بین‌المللی، آزادی مطبوعات و بیان در حال حاضر سیر نزولی خود را می‌پیماید. آ‌شاه‌حسین مرتضوی، روزنامه‌نگار پیشین و مشاور کنونی رئیس‌جمهور غنی، در تو صیف وضعیت حساس فعالیت جدی رسانه‌ای در افغانستان گفته بود که در تمام گزارش‌های تحقیقی ما، وزیر، والی یا یک وکیل پارلمان دخیل است که هرکدام تا ۴۰ فرد مسلح دارند و این برای فعالان رسانه‌ای که از هیچ حمایتی برخوردار نیستند، یک خطر جدی است. برخی معتقدند که دولت افغانستان درواقع از تضمین حق آزادی بیان و تأمین فعالیت آزادانه در فضای مدنی برای شهروندانش می‌ترسد؛ زیرا این امر می‌تواند باعث افشای اسرار ناخوشایند رهبران سیاسی و مقامات دولتی بشود. به‌عنوان مثال، فعالیت آزاد رسانه‌ای می‌تواند به آسانی، دو سیه‌های فساد، غصب زمین، نقض حقوق بشر و سایر موارد غیرقانونی را برای افکار عمومی آشکار سازد. به گفته‌ی یکی از صاحب‌شوندگان از آنجایی که مدافعان حقوق بشر و فعالان جامعه مدنی

۱. اتحادیه اروپا، افغانستان: نقشه راه اتحادیه اروپا برای مشارکت با جامعه مدنی (بروکسل: اتحادیه اروپا، ۲۶ اگست ۲۰۱۸)، <https://bit.ly/3eT8gws>.

۲. پاتریشیا گاسمن، «تهدیدها برای آزادی رسانه‌ها در افغانستان»، دیده‌بان حقوق بشر، ۲۱ جنوری ۲۰۱۵، <https://bit.ly/2YB4y48>.

۳. پاتریشیا گاسمن، «رسانه‌های افغانستان زیر تهدید اند»، مصاحبه با شاه‌حسین مرتضوی، دیده‌بان حقوق بشر، ۲۱ جنوری ۲۰۱۵، <https://bit.ly/2YzSZdp>.

موضوعات حساس را مطرح می‌کنند و به‌عنوان ناظران عملکرد مقامات دولتی می‌توانند کل نظام را به چالش بکشند، آن‌ها برای رهبران سیاسی و دیگر قدرتمندان یک خطر بالقوه محسوب شوند و در صورتی که احساس خطر از طرف کسی که منافعش به چالش کشیده شده از جمله مقامات دولتی و رهبران سیاسی و مذهبی، جدی باشد، آن‌ها برای رفع خطر اقدام خواهند کرد و در چنین فضایی و در نبود حمایت جدی برای فعالان مدنی، جانشان همواره در معرض خطر باقی خواهد ماند.^۱



عکس دیوار کانینری حکومت در مسیر مظاهره‌کنندگان جنبش روشنایی، ۱۳۹۵

در دوره حکومت وحدت ملی، چندین تظاهرات گسترده مردمی از جمله جنبش تبسم در نوامبر ۲۰۱۵، اعتراضات گسترده جنبش روشنایی در سال ۲۰۱۶ و رستاخیز تغییر در سال ۲۰۱۷، شکست دولت در پیشگیری از اعتراضات مردمی یا مدیریت مؤثر و کارآمد این اعتراضات را به‌خوبی به نمایش گذاشت. بعد از تجربه این ناکامی‌ها، حکومت به‌جای تلاش برای رفع زمینه‌ها و بسترهای چون تبعیض، فساد و ناکارآمدی که باعث این اعتراضات شده بود، اقدامات محدودکننده روی دست گرفت تا فضای مدنی برای اعتراضات احتمالی

^۱ ناشناس، یک نهاد کم‌کمرسان، مصاحبه‌کننده: عبدالرحمن یاسا، ۲۱ آپریل، ۲۰۲۰.

در آینده را از بین ببرد. به‌عنوان نخستین اقدام، حکومت سعی کرد تا قانون تظاهرات، اجتماعات و اعتصابات را تعدیل کند. در نتیجه‌ی آن، چندین ماده و بند محدودکننده به این قانون اضافه شد. در یک اقدام بی‌پیشینه‌ی دیگر، حکومت افغانستان در نوامبر ۲۰۱۷ تصمیم گرفت تا خدمات پیام‌رسان WhatsApp و Telegram را به مدت ۲۰ روز ممنوع کند. حکومت این اقدام را به‌عنوان تدابیر امنیتی برای جلوگیری از دسترسی شورشیان از جمله طالبان به خدمات این پیام‌رسان‌ها اعلام کرد، اما به نظر می‌رسد آنچه رسماً گفته شد کل حقیقت نباشد. به‌رحال این اقدامات سیاسی، نگرانی روزافزون نهادهای جامعه مدنی و فعالان حقوق بشر در رابطه با سانسور آزادی بیان را برانگیخت. پس از مدتی ممنوعیت این پیام‌رسان‌ها برداشته شد، اما نگرانی از این‌که دولت افغانستان با انگیزه‌های سیاسی محدودسازی فضای مدنی را افزایش دهد، همچنان باقی است.

در نتیجه در یک جامعه‌ی به‌شدت محافظه‌کار که استحکام‌بخشی و نهادینه‌سازی آزادی بیان و فعالیت آزادانه مدنی بسیار دشوار است، نبود حمایت

^۱. سایت بی‌بی‌سی فارسی، «اعتراضات به دنبال ممنوع شدن پیام‌رسان‌های WhatsApp و تلگرام»، ۴ نوامبر ۲۰۱۷.

<https://bbc.in/2vKfi5Q>.

سیاسی و فرهنگ معافیت از مجازات، در کنار عوامل دیگر باعث شده است که فضای مدنی روزبه‌روز محدود و محدودتر شود.



محل یکی از خیمه‌های تحصن جنبش رستاخیز تغییر که شبانه برچیده شد، ۱۳۹۶

محدودیت‌های ناشی از عوامل اقتصادی

بعد از سال ۲۰۰۱ منابع مالی زیادی برای بازسازی به افغانستان سرازیر شد. سازمان‌های بشردوستانه‌ی بین‌المللی و سفارت‌خانه‌های خارجی، همراه با نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد حمایت‌های مالی خود را از نهادهای جامعه مدنی آغاز کردند تا آن‌ها با دولت افغانستان در ارتباط مداوم بوده و در روندهای پالیسی‌سازی و تصمیم‌گیری مشارکت کنند.^۱ در طول دو دهه‌ی گذشته، نهادهای جامعه مدنی در زمینه‌های مختلف چون حقوق بشر، توانمندسازی زنان، صلح، ظرفیت‌سازی، دادخواهی و حکومت‌داری نقش مهمی بازی کرده‌اند، اما این نهادها درست مانند دولت افغانستان به‌شدت به کمک‌های خارجی وابسته بوده‌اند. با توجه به ماهیت وابستگی به کمک‌های خارجی و

^۱ اتحادیه اروپا، افغانستان: نقشه راه اتحادیه اروپا برای مشارکت با جامعه مدنی (بروکسل: اتحادیه اروپا، ۲۶ اگست

۲۰۱۸، <https://bit.ly/3eT8gws>.

درآمد حاصل از پروژه‌ها، طبیعی است که هرگونه نوسان و تغییر در سقف کمک‌های خارجی، بر موقعیت و فعالیت‌های نهادهای جامعه مدنی در افغانستان تأثیر بگذارد.

طی ۲۰ سال گذشته، اهداکنندگان بین‌المللی در جریان کمک به افغانستان از دو مکانیزم مختلف استفاده کرده‌اند: الف: کمک‌ها در چارچوب بودجه دولت افغانستان و ب: کمک‌ها خارج از بودجه ملی دولت افغانستان.^۱ در شیوه اول، کمک‌های بین‌المللی از طریق بودجه‌ی ملی دولت افغانستان به مصرف رسیده و در شیوه‌ی دومی این کمک‌ها از طریق شرکای انکشافی افغانستان مانند سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی که در افغانستان فعالیت دارند، مصرف شده است. از سال ۲۰۱۴، هم کمک‌های بین‌المللی در کل کاهش یافت و هم تصمیم گرفته شده که بیشتر کمک‌های موجود در چارچوب بودجه‌ی ملی افغانستان مصرف شود و این وضعیت باعث شد که نهادهای جامعه مدنی درباره‌ی دسترسی به منابع مالی جهت پیشبرد فعالیت‌هایشان نگران شوند.^۲

انتقال مسؤلیت‌های امنیتی به نیروهای امنیتی افغانستان نیز که در سال ۲۰۱۴ اتفاق افتاد، باعث شد در مورد کاهش منابع مالی، نگرانی فزاینده شکل گرفته و در نتیجه آن، فعالیت‌های اکثریت نهادهای جامعه مدنی متوقف شود یا حداقل کاهش یابد.^۳ به دلیل محدودیت‌های مالی یادشده از یک‌سو که بر درآمد

^۱ عبدالرحمن یاسا، «از اصلاحات سکتور امنیتی تا فساد گسترده، مطالعه موردی افغانستان»، مجله امنیت استراتژیک

۱۳، شماره ۳: ۱۰۹ (۲۰۲۰). <https://bit.ly/3nR5Yr>

^۲ اتحادیه اروپا، افغانستان: نقشه راه اتحادیه اروپا برای مشارکت با جامعه مدنی (بروکسل: اتحادیه اروپا، ۲۶ اگست

۲۰۱۸). <https://bit.ly/3eT8gws>

^۳ مریم صافی، جامعه مدنی در افغانستان: یک دهه پیشرفت و چالش، نهاد مطالعات صلح، ۲۰ دسامبر ۲۰۱۲،

<https://bit.ly/2UirF7e>

نهادهای مدنی تأثیر منفی گذاشت و وضع مالیات سنگین بر رسانه‌ها درحالی که در طول حکومت وحدت ملی، رسانه‌ها حمایت ناچیزی از دولت دریافت می‌کرد از سوی دیگر، تعداد زیادی از شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی و رسانه‌های چاپی، عمدتاً آن‌هایی که در ولایت‌های افغانستان فعالیت داشته‌اند وادار به توقف فعالیت شدند. تا اگست ۲۰۱۷، بیش از دو صد رسانه که بیشتر آنان چاپی بودند به دلیل مشکلات مالی بسته شدند. بسیاری از روزنامه‌نگاران از دولت افغانستان خواسته‌اند که به تعهداتش بر اساس مفاد قانون اساسی در حمایت از رسانه با معافیت مالیاتی یا کاهش آن، به‌ویژه در مورد رسانه‌های چاپی که از عاید دائمی برخوردار نیستند، عمل کند.^۱ این وضعیت بر نهادهای دیگر هم تأثیر گذاشته است و در نتیجه تعداد زیادی از نهادهای جامعه مدنی به دلیل بحران‌های مالی در طول این دوره، یا کلاً بسته شده‌اند یا حداقل تشکیلاتشان را کوچک‌تر ساخته و فعالیت‌هایشان را کاهش داده‌اند.^۲

ادامه‌ی این روند و نبود کمک‌های مالی به‌اندازه کافی باعث شده است تا آزادی بیان و فعالیت‌های آزادانه مدنی با پیامدهای منفی مواجه شود. از اواخر سال ۲۰۱۹ با گسترش همه‌گیری کووید-۱۹ و ویروس کرونا، مشکل دیگر بر مشکلات متعدد نهادهای مدنی افزوده شد. درحالی که نهادهای مدنی در حوزه‌های مختلف، از نظارت و آگاهی‌دهی به شهروندان در مورد حقوقشان گرفته تا بهبود ارائه‌ی خدمات و پروژه‌های انکشافی، نقش برجسته دارند، همه‌گیری کووید-۱۹ باعث شد ارتباط مستقیم و حضوری آن‌ها با نهادهای تمویل‌کننده کاهش یافته و آن‌ها بیشتر از گذشته در تنگنای شدید مالی قرار

^۱. صدای آمریکا، «در طول چهار سال، بیش از ۲۰۰ رسانه در افغانستان بسته شده‌اند»، صدای آمریکا، ۲۰ اگست ۲۰۱۷، <https://bit.ly/2Y9kw5p>.

^۲. سید حسین انوش، رئیس اجرایی شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان، مصاحبه‌کننده: عبدالرحمن یاسا، ۱۲ جون ۲۰۲۰.

بگیرند. این وضعیت به اندازه وخیم است که بسیاری از نهادهای غیردولتی با بودجه‌ی کم و حمایت ناچیز دولت و جامعه‌ی جهانی، در آستانه‌ی سقوط کامل قرار گرفته‌اند. به هدف جلوگیری از تأثیرات منفی ناشی از این بیماری بر بخش خصوصی، این نهادها از دولت خواسته‌اند با تعدیل شرایط مالیات، زمینه‌ی حمایت از آن‌ها را فراهم نمایند.^۱

محدودیت‌های ناشی از ناامنی

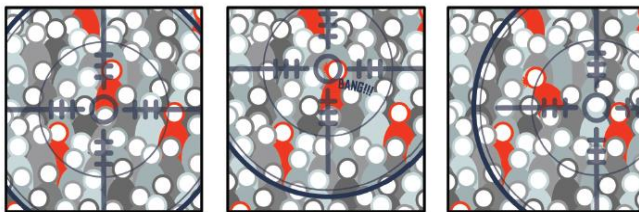
جامعه مدنی افزون بر روبه‌رو شدن با محدودیت‌های حقوقی، سیاسی و اقتصادی با مشکلات امنیتی نیز مواجه شده است و این مشکل فراگیر ناامنی، از چالش‌های کلیدی فراروی نهادهای جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر در افغانستان است. در بیست سال گذشته، به‌ویژه پس از سال ۲۰۱۴، افغانستان یکی از خطرناک‌ترین کشورهای جهان برای فعالان جامعه مدنی، مدافعان حقوق بشر و امدادگران بوده است. این گروه‌ها، به‌ویژه زنان عضوشان، همیشه با تهدید، ارعاب، آزار و اذیت، قتل، اختطاف و سایر انواع خشونت‌ها روبه‌رو بوده‌اند.^۲ در خلق این فضای مملو از ناامنی، بازیگران دولتی و غیردولتی، از جمله برخی مقامات دولتی، تعدادی از نمایندگان پارلمان، شماری از رهبران بانفوذ و مذهبی و گروه‌های تروریستی از جمله طالبان و داعش کم‌وبیش نقش داشته‌اند.

طبق گزارش CIVICUS، در طی سال ۲۰۱۸ بیش از ۱۵ روزنامه‌نگار کشته شده و حداقل پنج تن دیگر در نیمه‌ی اول ۲۰۱۹ در پی شلیک گلوله

^۱. طلوع نیوز، «سفیران اتحادیه اروپا در افغانستان به دنبال راه‌هایی برای کاهش خطرات COVID-19 هستند»، طلوع نیوز، ۱۰ اپریل ۲۰۲۰، <https://bit.ly/2AxaByL>

^۲. سازمان عفو بین‌الملل، مدافعان بی‌دفاع: جامعه حقوق بشر افغانستان تحت حمله قرار دارند، (لندن: سازمان عفو بین‌الملل، ۲۰۱۹)، ۶۱، <https://bit.ly/37vbtQk>

جان‌باخته‌اند.^۱ در ۳۱ می ۲۰۲۰، موتر کارمندان یک شبکه‌ی خصوصی تلویزیونی در کابل مورد حمله قرار گرفت که منجر به کشته شدن یک روزنامه‌نگار و راننده‌ی او و زخمی شدن چهار تن دیگر شد. آدر یک نمونه دیگر، در سال ۲۰۱۹ عبدالصمد امیری، یکی از فعالان حقوق بشر و سرپرست دفتر ولایتی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در ولایت غور، در راه برگشت به کابل به دست طالبان کشته شد. آدر سال ۲۰۲۰ فاطمه خلیل مسئول ارتباط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با نهادهای تمویل‌کننده و راننده دفتر به نام احمد جاوید فولاد در اثر انفجار مایینی که در موترشان جاسازی شده بود، جان دادند.^۴



روزنامه‌نگاران افغان به خاطر پوشش اخبار منازعات درازمدت در کشور، با خطرات، تهدیدها و حمله‌های دائمی مواجه هستند. آنان برای ادامه‌ی کار در چنین شرایطی یا باید به خودسانسوری پناه برده و خنثی و بی‌طرف بمانند یا تهدیدهای فزاینده از سوی گروه‌های مختلف از جمله طالبان و داعش را به جان

۱. نهاد CIVICUS «بیانیه: تصویب عضویت افغانستان به بازنگری دوره‌ای جهانی در مورد حقوق بشر».

CIVICUS، ۴ جولای ۲۰۱۹، <https://bit.ly/2C7FtGD>.

۲. الجزیره، «در انفجاری در کابل که موتر کارمندان تلویزیون را هدف قرار داد، یک خبرنگار کشته شد»، الجزیره، ۳۱

می ۲۰۲۰، <https://bit.ly/2UlabfT>.

۳. سازمان عفو بین‌الملل، «افغانستان: کشتن مدافع حقوق بشر یک جنایت جنگی است»، سازمان عفو بین‌الملل، ۵

سپتامبر ۲۰۱۹، <https://bit.ly/3d0Liq1>.

۴. سایت بی‌بی‌سی فارسی، تاریخ ۷ سرطان ۱۳۹۹، <https://bbc.in/3kXWx3Y>.

بخرند. طی سال‌های گذشته، طالبان چند بار به رسانه‌های افغانستان هشدار داده‌اند تا از پخش آنچه این گروه «تبلیغات دولتی علیه گروه‌های مسلح» عنوان می‌کند، دست‌بردارند. در سال ۲۰۱۶، طالبان یک بس حامل کارمندان شبکه‌ی تلویزیونی طلوع را هدف قرار دادند که منجر به کشته شدن هفت کارمند این رسانه شد. این گروه این حمله را کاری تلافی‌جویانه علیه تبلیغات این شبکه تلویزیونی به نفع دولت افغانستان و متحدان بین‌المللی آنان خواندند.^۱

شماری از فعالان حقوق بشر به این باورند که دولت، علی‌رغم وعده‌اش مبنی بر حفاظت از مدافعان حقوق بشر، در محدودسازی، آزار و اذیت و تهدید آنان دست دارد. در برخی موارد، نیروهای دولتی مستقیماً در خلق این فضای ناامنی نقش داشته‌اند. به‌عنوان مثال، حکومت افغانستان به هدف سرکوب اعتراضات مدنی، در یک برنامه‌ی کاملاً هماهنگ شده با گذاشتن کانتینر در تمام‌مسیرهایی منتهی به مرکز شهر کابل، مانع ادامه تظاهرات مردمی شده است و این اقدام برنامه‌ریزی شده حکومت، از سوی رسانه‌ها به شدت موردانتقاد قرار گرفته است.^۲ در جون ۲۰۱۶، پولیس کابل با استقرار سنگین نیروهای دولتی تلاش کرد یک تظاهرات را متوقف ساخته و در ادامه نیروهای امنیتی با شلیک به سمت معترضان باعث کشته شدن چند نفر شد.^۳ تکرار چنین مواردی باعث شد که این باور به وجود بیاید که حکومت وحدت ملی، پالیسی‌های محدودکننده در پیش گرفته و چنین سیاستی موردانتقاد شدید مردم قرار بگیرد. در یک نمونه دیگر، موسی محمودی و احسان‌الله حمیدی، دو فعال حقوق

۱. الجزیره، «طالبان به‌اشتباه شش روزنامه‌نگار افغان را ربودند»، الجزیره، ۲ سپتمبر ۲۰۱۹، <https://bit.ly/2B7oQdw>.

۲. طلوع نیوز، «دولت تمامی راه‌ها را با گذاشتن کانتینر مسدود و شهر کابل را تعطیل کرده است»، شانزدهم می ۲۰۱۶، <https://bit.ly/3htKRDW>.

۳. شبکه الجزیره، «طالبان به‌اشتباه شش روزنامه‌نگار افغان را ربودند»، الجزیره، ۲ سپتمبر ۲۰۱۹، <https://bit.ly/2B7oQdw>.

بشر در سال ۲۰۱۹ توسط ریاست امنیت ملی افغانستان دستگیر شدند. این دو فعال که برای نهاد اجتماعی مدنی جوانان لوگر کار می‌کردند، قضیه‌ی سوءاستفاده‌ی جنسی مقامات محلی دولتی، معلمان و مدیران از ۵۴۶ تن از شاگردان مکتبی در این ولایت را افشا کرده بودند. در آغاز، ریاست امنیت ملی ادعای دستگیر شدن این افراد رد می‌کرد، اما بعداً مشخص شد که هر دو در بازداشت این ریاست هستند. در پی فشارها از سوی جامعه مدنی، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و سازمان‌های حقوق بشر بین‌المللی، ریاست امنیت ملی محمودی و حمیدی را رها کرد و به دنبال افزایش تهدیدها و با کمک نهادهای حقوق بشری ملی و بین‌المللی، آن دو نفر به ازبکستان پناهنده شدند.

به‌جز مخالفان مسلح دولت و نیروهای شناخته‌شده دولتی، افراد و نهادهای پیدا و پنهان دیگر نیز به تهدید فعالان عرصه مدنی اقدام می‌کنند. در سال ۲۰۱۷، شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر (CSHRN)، با همکاری گروهی از نهادهای مدنی، گزارش سایه‌ای را در مورد شکنجه به نشر رساند. پیش از ارائه‌ی گزارش به کمیته‌ی ضد شکنجه سازمان ملل متحد (UN-CAT) به دلیل اینکه در این گزارش از اسامی مقامات ارشد حکومتی نام برده شده بود، کارمندان و همکاران این نهاد از طریق شماره‌های ناشناس تهدیدهای متعددی دریافت می‌کردند. یکی از پاسخ‌دهندگان این تحقیق که در تهیه‌ی گزارش یاد شده مشارکت داشت، داستان را این‌گونه شرح می‌دهد: برای تأیید نهایی گزارش سایه به کمیته ضد شکنجه، گزارش را به اعضای شبکه و نهادهای دخیل فرستادیم. درست سه ساعت بعد، یک تماس تهدیدآمیز ناشناس دریافت کردیم

^۱. عایشه تنظیم، «استخبارات افغانستان بازداشت فعالانی را که آزار و اذیت جنسی را افشا کردند، می‌پذیرد»، صدای

آمریکا، ۲۶ نومبر ۲۰۱۹. <https://bit.ly/2XZiAc9>

که محتوای آن چنین بود: «اگر شما مواردی را که در صفحه‌ی ۲۲ گزارش سایه شرح داده شده است، حذف نکنید، دفتر شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر، از فردا دیگر در امان نخواهد بود.» در صفحه‌ی ۲۲ نام یک تن از مقامات دولتی که به اعمال شکنجه در یک زندان محلی متهم بود، ذکر شده بود. پس از یک بحث طولانی، به دنبال گزینه‌های مختلفی برای مقابله با این وضعیت گشتیم و تصمیم گرفتیم که قضیه به‌طور کلی در گزارش رسمی ذکر شود، اما جزئیات به‌عنوان یک گزارش محرمانه به کمیته‌ی ضد شکنجه در جنیوا ارائه شود.^۱

گزارش تحقیقی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در مورد آزادی بیان که در سال ۱۳۹۷ نشر شده نیز نشان می‌دهد که از میان ۵۳۸ فعال رسانه‌ای که با آنان مصاحبه گردیده است ۳۰۷ نفر که ۵۷٫۱٪ مجموع را تشکیل می‌دهد، مورد تهدید قرار گرفته‌اند. ۲۲۲ نفر (۴۱٫۳٪) تأیید نموده‌اند که تهدید علیه آنان وجود نداشته و درنهایت ۹ نفر باقی‌مانده (۱۱٫۷٪) به این پرسش پاسخ نداده‌اند. بر اساس یافته‌های تحقیق تاکنون بیشتر از نیمی از فعالان رسانه‌ای با تهدید مواجه بوده و بنابراین می‌توان گفت که وضعیت امنیتی فعالان رسانه‌ای با مشکلاتی جدی مواجه است. بر مبنای یافته‌های این تحقیق کمیسیون، افزایش ناامنی روی فعالان رسانه‌ای تأثیرگذار شده و متأثر از وضعیت نگران‌کننده کنونی بسیاری از آن دست به خودسانسوری می‌زنند. نتیجه این تحقیق گویای آن است که بیشتر از ۶۰٪ فعالان رسانه‌ی به دلیل ترس از تعقیب یا تهدید دست به خودسانسوری زده و در گفتار و نوشتار خویش و در مواردی حتی در نحوه پوشش و رفتار خود در خانواده و جامعه تغییراتی به وجود می‌آورند که برخلاف خواست درونی‌شان است. بیشتر موارد خودسانسوری مربوط به موضوعات امنیتی و سیاسی بوده است. از میان ۳۳۰ فعال رسانه‌ی

^۱ ناشناس، یک سازمان امدادرسان، مصاحبه‌کننده عبدالرحمن یاسا، ۲۱ اپریل ۲۰۲۰.

که خودسانسوری را تأیید نموده‌اند، ۴۸٫۵٪ در پاسخ گفته‌اند که در موضوعات سیاسی و امنیتی، مجبور به خودسانسوری هستند.^۱

بر اساس گزارش وزارت خارجه ایالات متحده امریکا، در مورد اعمال فشار، ایجاد محدودیت و تهدید از سوی مقامات دولتی به هدف خاموش ساختن صدای مخالفان، گزارش‌هایی وجود داشته است. طبق این گزارش ممانعت از آزادی بیان در ولایت‌ها بیشتر از مرکز بوده است و در برخی موارد مقامات دولتی و دیگر قدرتمندان به دستگیری، تهدید و آزار روزنامه‌نگاران اقدام کرده‌اند. ژورنالیستان به خاطر ترس از تهدید در موارد حساس مانند فساد اداری یا قاچاق مواد مخدر، دست به خودسانسوری می‌زنند.^۲

این وضعیت باعث شده است که بیشتر خبرنگاران، به‌ویژه آنانی که در ولایت‌های دوردست فعالیت دارند، برای حفظ جان‌شان دست به خودسانسوری بزنند.^۳

تهدید فعالان رسانه‌ای در عین اینکه باعث خودسانسوری و در نتیجه کاهش کیفیت برنامه‌های رسانه‌ای می‌شود، در مواردی زیادی، وجود تهدیدات امنیتی علیه فرد و اعضای خانواده‌اش، عامل اصلی محدود شدن فعالیت‌ها از نظر زمانی و مکانی و حتی ترک وظیفه فعالان رسانه‌ای یا مهاجرت آنان به خارج از کشور بوده است. به همین دلیل دولت‌ها که به‌صورت کلی وظیفه‌دارند امنیت شهروندان خویش را در هر حالتی تأمین نمایند، موظف هستند که نسبت به تأمین امنیت فعالان رسانه توجه مضاعف داشته باشند.

^۱ کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، دسترسی به حق آزادی بیان در افغانستان، ۱۳۹۷،

<https://www.aihrc.org.af>

‡ US department of State, Human Rights report (2016), Website Link:

<https://www.state.gov/j/drl/rls/hrrpt/humanrightsreport/index.htm#wrapper>.

^۳ مریم امنیتی، «خودسانسورهای رسانه‌ای افغانستان برای زنده ماندن»، دیدبان حقوق بشر، ۱۰ اپریل ۲۰۱۹،

<https://bit.ly/33JkLxf>.

نظام عدلی و قضایی و نهادهای تنفیذکننده‌ی قانون هم در تطبیق احکام قانونی ناتوان هستند و هم اراده قوی برای این کار ندارند. حملات خشونت‌بار و تهدیدات روزافزون علیه مدافعان حقوق بشر، فعالان جامعه مدنی و روزنامه‌نگاران مورد بررسی قرار نمی‌گیرد و این باعث شده است که خودسانسوری به ابزاری برای حفظ مصونیت جانی تبدیل شود. تعداد زیادی از روزنامه‌نگاران ترجیح می‌دهند در مورد موضوعات حساس از جمله فساد، غصب زمین و نقض حقوق بشر گزارش تهیه نکنند تا احتمال خطر را به حداقل برسانند.^۱ بر مبنای تحقیقات نهاد نی حمایت‌کننده رسانه‌های آزاد افغانستان بیشتر از نیمی خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای (۵۶٪) که مورد تهدید و خشونت قرار گرفته‌اند، نمی‌خواهند پرونده‌های آنان در نهادهای عدلی و قضایی مورد تعقیب و پیگیری قرار گیرد. دلیل این عدم علاقه‌مندی امکان افزایش خطر و تهدیدات بیشتر علیه آنان و نداشتن فرصت کافی برای پیگیری عنوان گردیده است. بی باوری و عدم اعتماد فعالان رسانه‌ای نسبت به دولت و نهادهای دولتی در رسیدگی به قضایای آنان نیز یکی از دیگر دلایلی است که تعداد از فعالان رسانه‌ای به پیگیری قضایای خویش تمایل ندارند.^۲

محدودیت‌های ناشی از سلطه افکار تندروانه مذهبی

در دوره جدید بعد از سقوط طالبان، جامعه جهانی و نهادهای بین‌المللی حضور فعال و تأثیرگذار داشته است. در نتیجه این حمایت‌ها هم در قوانین افغانستان اعم از قانون اساسی و قوانین عادی ارزش‌های حقوق بشری و مدنی به صورت برجسته گنجانده شده است و هم به دلیل نیاز افغانستان به کمک‌های

^۱ پاتریشیا گاسمن، «تهدیدها برای آزادی رسانه‌ها در افغانستان»، دیده‌بان حقوق بشر، ۲۱ جنوری ۲۰۱۵.

<https://bit.ly/2YB4y48>.

^۲ <http://nai.org.af/dr> تاریخ نشر ۱۶ قوس ۱۳۹۶

بین‌المللی، از ارزش‌های حقوق بشری، کم‌وبیش حمایت سیاسی صورت می‌گرفته است. در نتیجه این وضعیت، در حدود یک و نیم دهه از آغاز این دوره، افراد و نهادهای که از نظر فکری با ارزش‌های حقوق بشری مخالف بودند، مخالفتشان را علناً و با صدای بلند ابراز نمی‌کردند. در سال‌های اخیر که حضوری جامعه جهانی هم از نظر نظامی و هم از نظر مالی کم‌رنگ‌تر شده و از سوی دیگر، گروه طالبان از یک گروه تروریستی به سطح یک گروه شورشی قدرتمند رقیب دولت ارتقا یافته و پروسه صلح جدی‌تر از قبل شده است، صدای مخالفت با ارزش‌های حقوق بشری که خواهان محدودسازی فضای مدنی است، رساتر و بی‌پروا تر از قبل به گوش می‌رسد و بخشی از محدودیت‌ها و موانعی که در راه فعالان مدنی به وجود آمده است، ناشی از ظهور مجدد این صدای مخالف و معارض است. بدون شک وقتی سخن از محدودیت فضای مدنی به علت سلطه افکار تندروانه مذهبی باشد، قربانیان اصلی وضعیت، زنان خواهند بود.

بخشی از محدودیت‌هایی که برای فعالان مدنی به‌خصوص زنان فعال در این عرصه ایجاد شده است، به خاطر حاکمیت افکار افراطی و تندروانه مذهبی است. سلطه چنین افکاری بر جامعه که در چند سال اخیر صدای آنان بلندتر از قبل به گوش می‌رسد، به چالش جدی برای فعالیت آزادانه مذهبی تبدیل شده است. به‌عنوان مثال، در ولایت غربی هرات مولوی عبدالرحمن انصاری که یک شخصیت دینی شناخته شده و تأثیرگذار است، به‌صورت علنی با روزنامه‌نگاران زن اعلان مخالفت کرده و خواسته است تا زنان در ادارات کار نکنند. این نوع هشدارها و تهدیدها به‌راحتی زمینه‌ساز محدودیت‌های شدید کاری برای زنان فعال مدنی و رسانه‌ای می‌شود.^۱ به نظر می‌رسد حملات متعدد

^۱. جواد دروازیان، محقق شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان، مصاحبه‌کننده: عبدالرحمن یاسا، ۲۹ اپریل

به کارمندان زن رسانه‌ها در شرق افغانستان هم در افکار و نگرش‌های سنتی تندرwane ریشه داشته باشد. در تاریخ ۲۰ قوس ۱۳۹۹، ملاله میوند، مجری برنامه صبحگاهی تلویزیون انعکاس همراه موثروانش کشته شد. او قبل از این اتفاق به برادرش گفته بود که حس می‌کند «افراد بنیادگرا» قصد جان او را دارند. بعد از این حادثه برخی خبرنگاران زن از جمله فرحناز فروتن نیز پیام‌های تهدیدآمیز دریافت کردند که آن‌ها را به‌عنوان «هدف بعدی» معرفی شده بودند.^۱ در تاریخ ۱۲ حوت ۱۳۹۹ هم سه کارمند زن دیگر همین شبکه تلویزیونی در تیراندازی افراد مسلح به قتل رسیدند. به دنبال این حادثه، همه کارمندان زن این شبکه خانه‌نشین شدند. به نظر می‌رسد با استناد به گستردگی حملات هدفمند علیه کارمندان زن رسانه‌ها و تهدیدهای مشخص که قبل از این حوادث صورت گرفته است، می‌تواند گفت که این اقدامات علاوه بر عوامل دیگر، ریشه فکری نیز دارد.

این اقدامات تا حدودی موفق هم بوده است. به گفته کمیته مصونیت خبرنگاران پس از کشته شدن ملاله، اکثر دخترانی که حتی پشت‌صحنه فعال بودند، در حوزه شرق کشور از ترس ترور دیگر سر کار حاضر نشدند. بر اساس آمار نی، در شش سال گذشته حدود ۹۰۰ خبرنگار و کارمند رسانه‌ای زن در سراسر این کشور شغل‌هایشان را ترک کرده‌اند. بیشترین موارد ترک هم در سال جاری خورشیدی ثبت شده است.^۲ این وضعیت ناشی از سلطه نگرش‌های تندرwane باعث شده است که روزنامه‌نگاران، فعالان جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر در افغانستان در کارشان محتاطانه عمل کنند. استمرار وضعیت نامطوب کنونی همراه با سطح بالایی از فرهنگ معافیت از مجازات و فقدان یک

^۱. سایت بی‌بی‌سی فارسی، ۲۰ قوس ۱۳۹۹، <https://bbc.in/3qu1C6>

^۲. سایت بی‌بی‌سی فارسی، تاریخ ۱۷ حوت ۱۳۹۹، <https://bbc.in/3bu9fEM>

مکانیزم محافظتی روشن با حمایت اندک دولت، به این معنا است که مسیر کسانی که برای استحکام ارزش‌های دموکراتیک تلاش می‌کنند، روشن نبوده و آنان آینده نامعلوم و پر از فراز و نشیب در پیش دارند.

جمع‌بندی

نکات اصلی حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی این گزارش تحقیقی در مورد محدود شدن فضای مدنی برای مدافعان حقوق بشر در افغانستان را می‌توان در ضمن چند عنوان فرعی ذیل دسته‌بندی و ارائه کرد:

الف: فضای مدنی به‌مثابه عنصر انفکاک‌ناپذیر دموکراسی: فضای

مدنی متضمن برخی از مهم‌ترین حق‌های بشر از جمله حق بر آزادی بیان، آزادی اجتماع و آزادی تشکل وانجمن است. فضای مدنی که با استفاده از آن می‌توان در مورد سیاست و جامعه بحث کرده و به حمایت از پالیسی‌های حکومت یا حمایت از تغییرات در این پالیسی‌ها و به نمایش گذاشتن شکایت و اعتراض نسبت به مقامات حکومتی پرداخت، در عصر کنونی یکی از مؤلفه‌های ارزشمند نظام دموکراتیک و عنصر حیاتی در برقراری ارتباط میان شهروندان و حکومت به حساب می‌آید. دولت دموکراتیک در صورتی مشروعیت دارد که بر آراء مردم بنیان‌گذاری شده باشد، اما نکته مهم این است که مشروعیت دولت باید استمرار داشته باشد و لازمه استمرار مشروعیت دولت این است که شهروندان فرصت داشته باشند به صورت مستمر بر عملکرد حکومت نظارت کنند و در صورت نارضایتی نسبت به پالیسی‌ها و برنامه‌های حکومت، نارضایتی خود را ابراز کنند و این جز از طریق فراهم بودن فضای مدنی باز ممکن نیست.

فضای مدنی و حقوق بشری متلازم آن از جمله حق بر آزادی بیان و آزادی تجمعات به دلیل اینکه برای شهروندان این فرصت را فراهم می‌سازد تا نارضایتی‌شان از تصمیمات و عملکرد حکومت به نمایش گذاشته و خواستار تغییرات شوند، عنصر اساسی و جدایی‌ناپذیر یک نظام دموکراتیک است. در قطعنامه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز از اهمیت نقش حق آزادی تجمعات در حکومت‌داری خوب و ایجاد شفافیت و از این طریق بنیان‌گذاری

جامعه صلح‌آمیز، مرفه و دموکراتیک سخن به میان آمده است.^۱ تضمین آزادی بیان و لحاظ آن به‌عنوان اصل بنیادین از جمله مبانی حیات جامعه دموکراتیک و از شرایط اساسی ارتقای دموکراسی و ارزیابی عملکرد حاکمان است. آذرواقع «آزادی بیان سنگ بنای هر جامعه آزاد و دموکراتیک را تشکیل می‌دهد».^۲ بدون شک در اعمال این حق ظرفیت بالقوه هرج‌ومرج، بی‌نظمی و ارتکاب اعمال غیرقانونی وجود دارد، اما در حال به دلیل جایگاه ویژه نقش تجمع و تظاهرات مدنی در حفظ ویژگی‌های دموکراتیک نظام‌ها، حکومت‌ها نمی‌توانند صرفاً بر مبنای احتمال وقوع هرج‌ومرج و بی‌نظمی از تجمعات مسالمت‌آمیز جلوگیری کنند.^۴

ب: فضای مدنی به‌عنوان ابزار تحقق حقوق بشر: حق‌های بشری

متلازم با فضای مدنی چنانکه هرکدام به‌عنوان حق مستقل مطرح است، ابزارهای کارآمد و مؤثر برای تأمین و تضمین سایر حق‌های بشری نیز به شمار می‌رود. بنابراین حق بر آزادی تجمع و حق بر آزادی بیان در عین اینکه هرکدام یکی از مهم‌ترین حق‌های بشری است، می‌تواند به‌عنوان ابزار و وسیله برای دادخواهی از دیگر حق‌های بشری هم نقش داشته باشد. به همین دلیل کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در تفسیر عمومی ۲۵ خود اذعان می‌کند که آزادی بیان، آزادی اجتماعات و آزادی تشکیلات، مبنای بهره‌مندی سایر حقوق بشری اشخاص است.^۵ آزادی بیان شرط ضروری برای تحقق شفافیت و

^۱ Human Rights Council, Resolution 24/5. The rights to freedom of peaceful assembly and of association, UN Doc. A/HRC/RES/24/5, 8 October 2013, preface.

^۲ قاری سیدفاطمی، محمد، حقوق بشر در جهان معاصر: جستارهای تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۹، چاپ دوم، ص ۱۲۷-۱۱۷.

^۳ Human Rights Committee, General comment No. 34, para. 2.

^۴ Robert L. Maddex, International encyclopedia of human rights: freedoms, abuses and remedies, Washington D.C. CQ press, 2000, P.20.

^۵ Human Rights Committee, General Comment 25, para 12.

پاسخگویی است و این دو به نوبه خود عنصر اساسی ترویج و حمایت حقوق بشر است.^۱ در اعلامیه اروپایی در مورد آزادی بیان و اطلاعات مصوب شورای اروپا ۱۹۸۲ آمده است: آزادی بیان و اطلاعات، عنصر بنیادین اصول دموکراسی واقعی، حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر است.^۲ «حمایت از حق آزادی تجمع هم چنین می تواند به تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نسل سوم حقوق بشری یعنی حقوق همبستگی کمک کند.»^۳ حق تجمع مسالمت آمیز می تواند مجرای مهم برای حفظ و ترویج فرهنگ و هویت اقلیتها باشد. هم چنین حمایت از حق آزادی تجمع نقش برجسته ای در ایجاد جامعه کثرت گرا و مداراگر دارد که در آن گروه های دارای عقاید، رفتارها و رویه های مختلف بتوانند در کنار هم به صورت مسالمت آمیز زندگی کنند.^۴ بر اساس گفته های گزارشگر ویژه، حق بر آزادی تجمع به عنوان یک واسطه و وسیله برخوردار از دیگر حق های مدنی، فرهنگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، اجتماعی کارکرد دارد. این وابستگی متقابل و ارتباط دوسویه میان حق تشکیل جمعاعات و دیگر حقوق بشری، جایگاه این حق را در حد شاخص ارزشمند برای ارزیابی احترام یک دولت به بسیاری از حقوق بشر ارتقاء می بخشد.^۵

ج: فضای مدنی به عنوان دستاورد ارزشمند دولت افغانستان: در نظام

سیاسی جدید افغانستان، فضای مدنی و حقوق بشری متلازم با آن به عنوان مؤلفه های نظام سیاسی مردم سالار از جایگاه شایسته برخوردار بوده است. این

^۱ Human Rights Committee, General comment No. 34, para. 3.

^۲ European declaration on freedom of expression and information, Adopted by committee of Ministers, 1982, Par.1.

^۳ OSCE Office for Democratic Institutions and Human Rights, Guidelines on Freedom of Assembly, p.24.

^۴ Ibid, p. 15.

^۵ Report of the Special Rapporteur on the rights to freedom of peaceful assembly and of association, UN Doc. A/HRC/20/27, 21 May 2012, para 12.

دسته از حق بشری هم در قانون اساسی گنجانده شده است و هم قوانین متعدد در حمایت از آن‌ها تدوین و تصویب شده است. چندین نهاد حمایتی نیز به هدف تضمین برخورداری از شهروندان از این حق‌های بشری و پاسداری از فضای مدنی رو به تکامل بنیان‌گذاری و فعال شده است. در سایه قوانین وضع‌شده، نهادهای حمایتی تأسیس‌شده و فضای آزادی که در دوره بعد از سقوط طالبان به وجود آمد، بدون شک دستاوردهای ارزشمند حاصل‌شده است که آزادی بیان و فعالیت‌های رسانه‌ای بدون فشار حکومت، از جمله آن‌ها است. به تعبیر یکی از مقامات ارشد حکومتی سابق، افغانستان در عرصه آزادی رسانه‌ها و ابراز آزادانه آرای مردم، به پیشرفت‌های بزرگی دست‌یافته است و اکنون افغانستان از نادر کشورهای منطقه ما است که در آن سانسور و پیگرد سیاسی روزنامه‌نگاران وجود ندارد.^۱ این یک واقعیت روشن است که در ۲۰ سالی که از سقوط طالبان گذشته، رسانه‌های مستقل و آزاد دیداری، شنیداری و مکتوب، رشد قابل توجهی داشته و فرصت مناسبی برای فعالان مدنی و حقوق بشری فراهم کرده است تا آزادانه نظراتشان را به دیگران ارائه کنند.

د: روند محدودسازی فضای مدنی در چند سال اخیر: به نظر می‌رسد

از سال ۲۰۱۴ به بعد که حکومت وحدت ملی به وجود آمد، تحت تأثیر عوامل متعدد، محدودسازی فضای مدنی برای مدافعان حقوق بشر در حال افزایش بوده است. این محدودسازی در دو عرصه قابل مشاهده است. اول اینکه در عرصه قانون‌گذاری حکومت تلاش کرده است قوانین مرتبط با فضای مدنی از جمله قانون رسانه‌های همگانی و قانون اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات و قانون سازمان‌های غیردولتی را تعدیل کند و مواد پیشنهادی تعدیل‌شده نسبت به مواد قبلی بیش از آنکه در حمایت از فضای مدنی و در راستای تضمین حق‌های

^۱. رنگین دادفر اسپننا، سیاست افغانستان؛ روایتی از درون، کابل: انتشارات عازم و انتشارات پرنیان، جلد دوم، ص ۹۳۵.

مرتبط با آن باشد، در جهت محدودسازی فعالیت نهادها و فعالان حقوق بشر در فضای مدنی حرکت کرده است. به جز عرصه قانون‌گذاری، واقعیت‌های عینی و انضمامی جاری در جامعه از قبیل گسترش ناامنی و افزایش تهدیدها علیه فعالان رسانه‌ای و مدافعان حقوق بشر و تلاش برای سرکوب اعتراضات و تظاهرات مردمی از سوی حکومت و نیروهای دفاعی و امنیتی، نیز نشان می‌دهد که در عمل و واقعیت نیز فضای مدنی نسبت به قبل از سال ۲۰۱۴ محدودتر و تنگ‌تر شده است.

ارزیابی سال ۲۰۱۸ نهاد CIVICUS و چند نهاد همکار از جمله شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر در مورد گزارش افغانستان که به مکانیزم ارزیابی دوره‌ای جهانی (UPR) نیز این نکته را تأیید می‌کند که فضای برای مدافعان حقوق بشر و فعالان جامعه مدنی در افغانستان خطرناک است و دولت افغانستان در اجرای کامل توصیه‌ها ناکام مانده است. این ناکامی‌ها از جمله موارد ذیل را شامل می‌شود: ناتوانی در اطمینان دادن در مورد تحقیق و پاسخگویی مؤثر در مورد خشونت علیه فعالان رسانه‌ای، تهدید علیه مدافعان حقوق بشر و رسانه‌ها و فرهنگ غالب معافیت از مجازات. در نتیجه، فضای مدنی در افغانستان، «سرکوب‌شده» ارزیابی می‌شود که بیان‌گر محدودیت‌های فوق‌العاده در بهره‌مندی از آزادی‌های اساسی برای جامعه مدنی است.^۱

از سال ۲۰۱۴ تاکنون، علی‌رغم برخی پیشرفت‌ها در بخش قانون، از جمله تصویب قانون دسترسی به اطلاعات توسط دولت، در حقوق آزادی اجتماعات، آزادی بیان و آزادی مطبوعات محدودیت‌های چشمگیری به میان آمده است. دخالت غیرموجه دولت در کار نهادهای غیردولتی، بازداشت‌های خودسرانه، آزار و اذیت و ارباب مدافعان و فعالان حقوق بشر توسط دولت، نمایندگان مجلس،

^۱ نهاد CIVICUS، ۲۰۱۸، <https://bit.ly/3d1z1Oa>.

رهبران صاحب نفوذ و زورمندان و استفاده‌ی بیش‌ازحد قوه توسط نیروهای امنیتی در اعتراضات مسالمت‌آمیز نشان‌دهنده‌ی محدودشدن فضای مدنی در جریان حکومت وحدت ملی است. ایجاد محدودیت در شبکه‌های اجتماعی مانند پیام‌رسان‌های تلگرام و واتسپ و تهیه‌ی پیش‌نویس مجدد قانون اجتماعات و قانون سازمان‌های غیردولتی (NGOs)، تلاش‌های آگاهانه‌ای است که حکومت وحدت ملی برای هرچه بیشتر محدود ساختن فضای مدنی انجام داد. تضادها و ابهامات در قوانین مصوب کشور، به شمول قانون اساسی و ظرفیت ناسازگاری آن با قوانین بین‌المللی، از یک‌سو آزادی بیان را محدود کرده و از سوی دیگر تعهدات بین‌المللی دولت افغانستان در قبال حقوق بشر را تضعیف کرده است. علاوه بر این، تهدیدهای گروه‌های مختلف تروریستی، از جمله طالبان و داعش، خطر مضاعفی به شمار می‌رود که می‌تواند به محدودشدن فضای فعالیت‌های مدنی بیانجامد. در این دوره شمار زیادی از مدافعان حقوق بشر و فعالان مدنی توسط گروه‌های مسلح و شورشیان تهدید شده و به قتل رسیده‌اند. زنان مدافع حقوق بشر توسط طالبان به دلیل آن‌چه این گروه «ترویج بدحجابی و فساد اخلاقی» عنوان می‌کنند، مورد تحقیر قرار گرفته و روزنامه‌نگاران به دلیل نوشته‌هایشان علیه گروه‌های شورشی کشته شده‌اند. در همین حال، علی‌رغم تعهد دولت افغانستان برای محافظت از مدافعان حقوق بشر و روزنامه‌نگاران در برابر آزارها، تهدیدها و ارباب فزاینده، عدم موجودیت اراده‌ی سیاسی و نبود میکانیزم محافظت، آنان را بیش از هر زمان دیگری در معرض تهدید قرار می‌دهد.

ه: تقابل دو جبهه در نقطه سرنوشت‌ساز روند صلح: بعد از اینکه یک

سال قبل توافق‌نامه ایالات امریکا با طالبان برای آوردن صلح در افغانستان امضا شد، روند صلح دولت افغانستان با گروه طالبان به مرحله جدید رسید و اکنون

برای دستیابی به یک توافق سیاسی برای حل بحران موجود جدی‌تر از گذشته شده است. این پیشرفت در روند صلح باعث شد که نهادهای مدنی، مدافعان حقوق بشر و گروه‌های اقلیت‌ها در مورد اینکه در نتیجه‌ی صلح با طالبان و سهیم شدن این گروه در قدرت سیاسی، فضای مدنی محدودتر شده و دستاوردهای ارزشمند دو دهه گذشته از بین برود، نگران شده و نگرانی‌شان را به صورت‌های مختلف ابراز کنند. از نظر فعالان جامعه مدنی، گروه طالبان در خصومت با فعالان جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر به‌ویژه زنان فعال در عرصه اجتماعی، پیشینه زیادی دارد. این گروه در طول حکومت‌شان در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی، اقلیت‌های قومی- مذهبی و فعالان مدنی را سرکوب و شکنجه کردند. به نظر می‌رسد بعد از این همه سال موضوع طالبان در این خصوص تغییر نکرده باشد. شاهد ادعا اینکه به دنبال خروج نیروهای امنیتی بین‌المللی در سال ۲۰۱۴ که منازعه مسلحانه بین دولت افغانستان و طالبان به طرز چشمگیری گسترش یافته و در نتیجه، طالبان برای مدتی کنترل شهرهای کندز و غزنی و بخش بزرگی از ولایت فراه را به دست گرفتند، تمام دفاتر حقوق بشر در این ولایت‌ها توسط طالبان غارت یا به آتش کشیده شدند.^۱ در سال ۲۰۱۹، در نشستی که در مسکو برگزار شده بود، طالبان به دلیل آنچه «گسترش بی‌اخلاقی و بدحجابی» خواندند، به شدت به فعالان حقوق زن تاختند.^۲ این نمونه‌ها از نوع نگاه رایج طالبان و همفکران افراطی آن در برابر مدافعان حقوق بشر نشان می‌دهد که دیدگاه طالبان در مورد مسائل حقوق بشری پس از سقوط حکومتشان در سال ۲۰۰۱ تغییر نکرده است. بنابراین افزایش نگرانی‌ها در مورد

^۱. زمان سلطانی، محقق جنوب آسیای سازمان عفو بین‌الملل، مصاحبه‌کننده: عبدالرحمن یاسا، ۲۰ اپریل ۲۰۲۰.

^۲. اما گراهام هریس و اختر محمد موکویی، «طالبان سال‌های عمر مان را بر باد دادند، زنان افغان در سایه جنگ زندگی می‌کنند»، روزنامه گاردین، ۹ فبروری ۲۰۱۹. <https://bit.ly/3emkeik>.

آینده فضای مدنی و به خطر افتادن دستاوردهای دو دهه گذشته، قابل ذکر است. اگر اکنون از دستاوردهای دو دهه‌ی گذشته حفاظت نشود و برای حفظ و استمرار آن در نظام سیاسی آینده، چاره‌جویی نشود، با توجه به مخالفت مبنایی و تئوریک طالبان با اصل فضای مدنی و حقوق بشری متلازم آن، بعید است که در نظامی که طالبان سهم تعیین کننده در آن دارد کسی بتواند از فضای مدنی آزاد استفاده کند.

دولت افغانستان تقابل در میز مذاکرات در قالب رویاروی جبهه جمهوریت با اردوگاه امارت به تصویر می‌کشد. جمهوریت و امارت صرفاً دو عنوان خالی از محتوا نیست بلکه هر کدام از آن‌ها شامل مؤلفه‌ها و عناصر تشکیل دهنده است که بدون وجود آن مؤلفه‌ها چیزی جز عنوان میان تهی باقی نمی‌ماند. بنابراین دولت و حکومت افغانستان به‌عنوان حامی گفتمان جمهوریت باید توجه داشته باشد که فضای مدنی و حق‌های بشری متلازم به آن همان محتوای اصلی جمهوریت و در نبود این محتوای ارزشمند، میان جمهوریت مورد ادعا و امارت مطلوب طالبان تفاوت معناداری وجود نخواهد داشت. بنابراین در این نقطه سرنوشت سازی که روند صلح افغانستان رسیده است و در این بزنگاه تاریخ که سرنوشت آینده افغانستان تعیین می‌شود، نوع نگاه به فضای می‌تواند همان سنجه و سنگ محک برای ارزیابی میزان صداقت حامیان گفتمان جمهوریت باشد. در چنین نقطه حساس، جمهوری خواهی مستلزم تقویت فضای مدنی و حمایت هرچه بیشتر از حق بر آزادی بیان، حق بر آزادی اجتماع و حق بر آزادی انجمن و تشکل است و لازمه تفکیک و تمایز جمهوریت از امارت آن است که به جای محدودسازی فضای مدنی برای نهادهای مدنی و مدافعان حقوق بشر، با حمایت از فضای مدنی باز و دوشادوش فعالان این عرصه برای نهادینه سازی ارزشهای مدنی و حقوق بشری برای آینده افغانستان مبارزه کرد

پیشنهادها

الف: برای دولت افغانستان

۱. با برداشتن گام‌های عملی، اطمینان حاصل شود که تمام موارد گزارش‌شده‌ی قتل، تهدید، آزار و اذیت و ارباب علیه مدافعان حقوق بشر از طرف افراد دولتی و غیردولتی به طور کامل و بی‌طرفانه مورد تحقیق و تعقیب قرار گرفته و مرتکبان آن مجازات می‌شوند.
۲. تمام تناقضات و ابهام‌های موجود در قوانین مختلف کشور که زمینه‌ساز محدودیت فضای مدنی می‌شود، برطرف شده و قوانین و مقررات افغانستان با معاهدات بین‌المللی حقوق بشری که دولت افغانستان آن‌ها را تصویب کرده است، سازگار شود.
۳. در مشاوره‌ی نزدیک با تمام ذی‌نفعان، از جمله نهادهای مدنی و حقوق بشری، فضای مدنی در عمل و واقعیت بهبود یافته و مکانیزم محافظت موثر از مدافعان حقوق بشر ایجاد شود.
۴. حاکمیت قانون و مبارزه با فرهنگ معافیت از مجازات در همه سطوح تقویت شود.
۵. تمام توصیه‌هایی که افغانستان از طریق گزارش‌گر ویژه‌ی سازمان ملل متحد و سایر گزارش‌های مربوط به فضای مدنی دریافت می‌کند، تطبیق شود.
۶. پالیسی‌های دقیق حمایت از رسانه‌های آزاد و مستقل تدوین و تصویب شده و از طریق حمایت مالی شفاف و دقیق زمینه استمرار فعالیت‌های رسانه‌ای معیاری و اطلاع‌رسانی آزاد و مسئولانه فراهم شود.

۷. در راستای عمل به قانون دسترسی به اطلاعات، زمینه‌های دسترسی شهروندان و فعالان رسانه‌ای به اطلاعات لازم از ادارات دولتی فراهم شود. ظرفیت کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون دسترسی به اطلاعات تقویت شده و شکایت کسانی که از دسترسی به اطلاعات محروم شده‌اند، به صورت جدی بررسی شود.

۸. به نهادهای امنیتی مرتبط پیشنهاد می‌شود مفهوم و اصول حقوق بشر، حقوق متهم، مظنون و محکوم، حق آزادی بیان و حق برگزاری تجمع و تظاهرات را به صورت مفصل و کافی برای نیروهای امنیتی که با تظاهرات و تجمعات مسالمت‌آمیز مردمی سروکار دارند، آموزش داده شود.

ب: به جامعه مدنی

۹. مکانیزم‌های واضح و کارآمد محافظتی برای مدافعان حقوق بشر ایجاد و تقویت شود.

۱۰. برنامه‌ی عملیاتی درآمدزا برای تنوع بخشیدن به منابع درآمد و کاهش وابستگی به تمویل کنندگان تدوین و تطبیق شود.

۱۱. ارتباطات داخلی نهادهای جامعه مدنی برای همکاری نزدیک جهت بهبود موثریت فعالیت‌ها و اقدامات دادخواهانه از طریق مکانیزم مشخص، تقویت شود.

۱۲. برای تأثیرگذاری بر پالیسی‌سازان و صاحبان قدرت و برای جلوگیری از فشار بر آزادی بیان، آزادی رسانه‌ها و آزادی اجتماعات، تلاش‌های هماهنگ و منسجم صورت گیرد.

ج: به جامعه‌ی جهانی

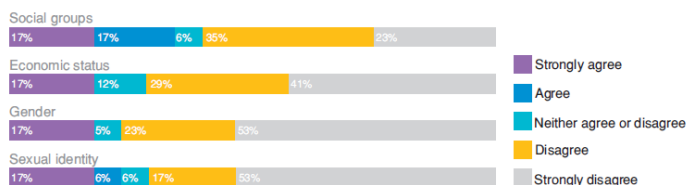
۱. برای جلوگیری از بازداشت، ارباب و آزار و اذیت مدافعان حقوق بشر و فعالان رسانه‌ای، بر دولت افغانستان فشار وارد شود تا رویکرد محدودکننده و سرکوبگرانه‌ی خود را تغییر دهد.
۲. با تأسیس مکانیزم محافظتی که مبنای قانونی محکمی دارد، بر دولت افغانستان فشار آورده شود تا از امنیت مدافعان حقوق بشر اطمینان حاصل شود.
۳. از نهادهای مدنی از نظر مالی و سیاسی پشتیبانی شده و برای توانمندسازی آنها بیشتر تلاش شود.
۴. به جای رویکرد پروژه‌محور کنونی، رویکرد برنامه‌محور و مبتنی بر نگاه دراز مدت در پیش گرفته شود.
۵. در زمان حساس کنونی که پروسه صلح به مرحله سرنوشت ساز رسیده است، برای نظارت کارآمدتر بر رعایت حقوق بشر و حفظ دستاوردهای ارزشمند حقوق بشری گزارش ویژه کشوری تعیین شود

ضمیمه: ارزیابی فضای مدنی در افغانستان؛ یافته های

نظرسنجی

بررسی آنلاین فضای مدنی ۲۰۲۰ در افغانستان شامل نمونه‌ای از ۱۷ فعال جامعه مدنی و اعضای نهادهای جامعه مدنی است. از این میان، دو پاسخ‌دهنده زن و ۱۵ تن دیگر مرد بودند که همگی از ۲۰ الی ۵۰ سال داشتند و ۱۱ شرکت‌کننده از گروه‌های اقلیت بودند. این نظرسنجی با پاسخ‌دهندگان ساکن کابل، مزارشریف و هرات به اشتراک گذاشته شد.

این بخش از نظرسنجی درباره‌ی ارزیابی آزادی‌های مدنی نشان می‌دهد که ۳۵٪ از پاسخ‌دهندگان معتقدند که در میان گروه‌های مختلف اجتماعی، از نظر زبان، قشر، طبقه، نژاد، منطقه و دین، از لحاظ برخورداری از آزادی‌های مدنی اختلاف وجود دارد. این نظرسنجی همچنین نشان می‌دهد که ۴۱٫۲٪ از پاسخ‌دهندگان به این باورند که سطح آزادی‌های مدنی افراد فقیر و ثروتمند با یکدیگر متفاوت است. علاوه بر این، ۵۲٫۹ درصد از پاسخ‌دهندگان کاملاً مخالف این بودند که مردان، زنان و اقلیت‌های جنسی به صورت برابر از آزادی‌های مدنی برخوردار هستند؛ به این معنا که گرایش جنسی و هویت جنسیتی فرد می‌تواند بر بهره‌مندی او از آزادی‌های مدنی تأثیر بگذارد.



شکل ۱: بهره‌مندی گروه‌های مختلف از آزادی‌های مدنی

پاسخ‌ها به این پرسش که آیا دولت محدودیت‌هایی برای ثبت و فعالیت جوامع مدنی ایجاد کرده است، گوناگون بود. در کل ۵۲٪ از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که دولت به گروه‌های مختلف، به شمول اقلیت‌ها، اجازه‌ی تشکیل و ثبت نهاد را می‌دهد، در حالی که ۱۸ درصد از پاسخ‌دهندگان خلاف این عقیده را دارند و بیشتر به این باورند که دولت به شکل غیرمنصفانه در کار نهادهای مدنی مداخله می‌کند تا این‌گونه آن‌ها را کنترل کند. علاوه بر این، بر اساس این نظرسنجی ۴۱٫۲٪ از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که حملات علیه مدافعان حقوق بشر و فعالان جامعه مدنی در افغانستان افزایش یافته است.

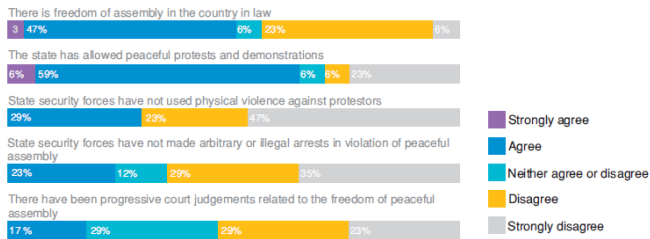
براساس این نظرسنجی، ۶۴٫۷٪ از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که رسانه‌ها نقشی اساسی‌ای در بازنمایی دیدگاه‌های سیاسی در سراسر کشور دارند. با این حال، ۴۷٫۱٪ از پاسخ‌دهندگان موافق‌اند که کارکنان رسانه، به‌ویژه افرادی که موضوعات حساس را گزارش می‌دهند با تهدید، ارباب، آزار و اذیت و حتی خطر کشته‌شدن توسط افراد دولتی و غیردولتی روبه‌رو هستند و وضعیت برای آنان بسیار پرمخاطره است. دسترسی عامه به اطلاعات دولتی نیز مسئله‌ای جدی است. ۴۷٫۱٪ از پاسخ‌ها نشان می‌دهد که کارمندان رسانه، فعالان جامعه مدنی و سایر محققان مستقل به شکل مداوم در گرفتن اطلاعات مورد نیاز از نهادهای عامه با مشکل روبه‌رو هستند.

به منظور تقویت منافع جمعی، به همه گروه‌ها اجازه‌ی تشکیل و ثبت نهاد

داده شده است

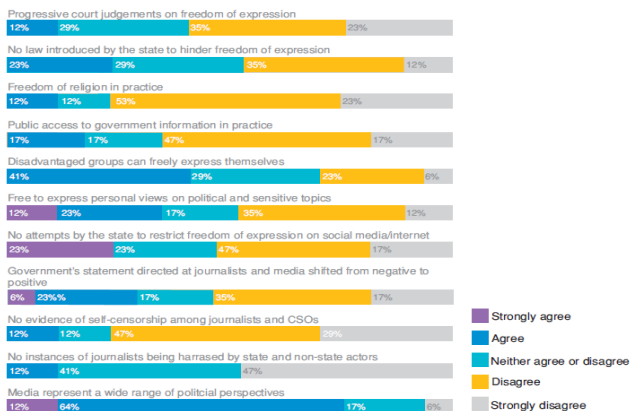


شکل ۲: ثبت نهاد و دسترسی به اطلاعات



شکل ۳: آزادی بیان

علاوه بر این، ۴۷٫۱٪ از پاسخ‌دهندگان موافقند که آزادی اجتماعات در قوانین کشور تضمین شده است. طبق این نظرسنجی، ۵۸٫۸٪ از پاسخ‌دهندگان به این باورند که دولت اجازه‌ی اعتراضات مسالمت‌آمیز را داده است، ولی ۴۷٫۱٪ معتقدند که نیروهای امنیتی برای سرکوب تظاهرکنندگان از خشونت فیزیکی استفاده کرده‌اند. در ضمن، ۳۵٫۳٪ از پاسخ‌دهندگان تایید کردند که معترضان در کشور در جریان تظاهرات به صورت خودسرانه یا غیرقانونی توسط نیروهای امنیتی دستگیر شده‌اند.



شکل ۴: آزادی اجتماعات مسالمت‌آمیز

منابع

الف: کتاب‌ها و مقاله‌های فارسی

۱. اتحادیه اروپا، افغانستان: نقشه راه اتحادیه اروپا برای مشارکت با جامعه مدنی، اتحادیه اروپا، آگست ۲۰۱۸، <https://bit.ly/3eT8gws>.
۲. انستیتوت جامعه مدنی افغانستان، وضعیت محیط مناسب برای جامعه مدنی در افغانستان، کابل: انستیتوت جامعه مدنی افغانستان، سپتامبر ۲۰۱۸، <https://bit.ly/3aiVPs8>.
۳. امینی، مریم، خودسانسورهای رسانه‌های افغانستان برای زنده ماندن، دیدبان حقوق بشر، ۱۰ آپریل ۲۰۱۹، <https://bit.ly/33JkLXf>.
۴. حیدری، مختار حسین، حقوق بشر، کابل: نشر واژه، ۱۳۹۹، ویرایش و چاپ دوم.
۵. دادفر اسپننا، رنگین، سیاست افغانستان؛ روایتی از درون، کابل: انتشارات عازم و انتشارات پرنیان، ۱۳۹۶.
۶. سازمان عفو بین‌الملل، افغانستان: مدافعان حقوق بشر تحت حمله اند، سازمان عفو بین‌الملل، ۲۸ آگست ۲۰۱۹، <https://bit.ly/3dk3hFg>.
۷. سازمان عفو بین‌الملل، افغانستان: قانون دسترسی به اطلاعات را اجرا کند، سازمان عفو بین‌الملل، ۵ فبروری ۲۰۲۰، <https://bit.ly/2BIQqEd>.
۸. صافی، مریم، جامعه مدنی در افغانستان: یک دهه پیشرفت و چالش، نهاد مطالعات صلح، ۲۰ دسمبر ۲۰۱۲، <https://bit.ly/2UiRf7e>.
۹. علیزاده، احمد، فرایند شکل‌گیری قانون اساسی افغانستان، کابل: انتشارات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۱۳۸۳، ج ۴.
۱۰. قاری سید فاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر: جستارهای تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۹، چاپ دوم.

۱۱. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، دسترسی به حق آزادی بیان در افغانستان، سال نشر ۱۳۹۶، سایت کمیسیون: www.aihrc.org.af
۱۲. گاسمن، پاتریشیا، تهدیدها برای آزادی رسانه‌ها در افغانستان، دیده‌بان حقوق بشر، ۲۱ جنوری ۲۰۱۵، <https://bit.ly/2YB4y48>.
۱۳. گاسمن، پاتریشیا، رسانه‌های افغانستان زیر تهدید اند، مصاحبه با شاه‌حسین مرتضوی، دیده‌بان حقوق بشر، ۲۱ جنوری ۲۰۱۵، <https://bit.ly/2YzSZdp>.
۱۴. مبلغ، ضیا، قانون جدید تظاهرات، آگاهانه و محدود کننده حقوق شهروندان را به سوی ابهام می‌برد، روزنامه راه‌مدنیت، ۱۲ جون ۲۰۱۷.
۱۵. مرکز خبرنگاران افغانستان، یک پیروزی سخت برای رسانه‌های افغانستان: کمیسیون شکایات رسانه‌ای منحل شد، مرکز خبرنگاران افغانستان، ۶ می، ۲۰۱۵، <https://bit.ly/2MdKgrH>
۱۶. نوری، عبدالعزیز، حقوق بشر، کابل: انتشارات دانشگاه کاتب، ۱۳۹۴.
۱۷. هریسن، اما گراهام و موکویی، اختر محمد، طالبان سالیهای عمر مان را بر باد دادند، زنان افغان در سایه جنگ زندگی می‌کنند، روزنامه گاردین، ۹ فیروری ۲۰۱۹، <https://bit.ly/3emkeik>
۱۸. یاسا، عبدالرحمن، از اصلاحات سکتور امنیتی تا فساد گسترده، مطالعه موردی افغانستان، مجله امنیت استراتژیک ۱۳، شماره ۳: ۱۰۹ (۲۰۲۰)، <https://bit.ly/3nIr5Yr>.

ب: قوانین و اسناد حقوق بشری

۱۹. اعلامیه جهانی حقوق بشر، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۵۸ میلادی.
۲۰. قانون «تعدیل و ایزاد در قانون رسانه‌های همگانی منتشره جریده رسمی شماره (۹۸۶) مورخ ۱۳۸۸/۴/۱۵» جریده رسمی ۱۱۶۷، ۱۳۹۳/۱۲/۲۰.
۲۱. قانون اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات، فرمان تقنینی شماره ۱۴۶ رئیس‌جمهور، وزارت عدلیه افغانستان، جریده رسمی شماره ۱۲۷۵، ۱۳۹۶.

۲۲. قانون اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات، فرمان رئیس دولت انتقالی، وزارت عدلیه، جریده رسمی شماره ۸۰۵، ۱۳۸۱.
۲۳. قانون اساسی افغانستان، مصوب لوی جرگه ۱۳۸۲، وزارت عدلیه، جریده رسمی ۸۰۵.
۲۴. قانون دسترسی به اطلاعات، مصوب هیئت مختلط ولسی جرگه و مشرانو جرگه در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۲۶، جریده رسمی ۱۱۵۶ در تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۲.
۲۵. قانون رسانه‌های همگانی، مصوب ۱۳۸۷/۶/۱۰ ولسی جرگه، جریده رسمی شماره ۹۸۶، سال ۱۳۸۸.
۲۶. قانون مطبوعات، توشیح شده توسط رئیس اداره موقت، جدی ۱۳۸۰، جریده رسمی شماره ۸۰۰.
۲۷. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۶۶ م.

ج: منابع انگلیسی

۲۸. Aljazeera, “Journalist Killed in Kabul Bomb Blast Targeting TV Workers,” May 31, 2020, <https://bit.ly/2UIabfT>.
۲۹. Aljazeera, “Taliban Mistakenly Kidnaps Six Afghan Journalists,” September 2, 2019, <https://bit.ly/2B7oQdw>.
۳۰. BBC, “Outcry as Afghanistan Moves to Ban WhatsApp and Telegram,” November 4, 2017, <https://bbc.in/2vKfi5Q>.
۳۱. CIVICUS, “Joint Submission to the UN Universal Periodic Review 32nd Session of the UP Working Group,” July 12, 2018, <https://bit.ly/3d1z1Oa>.
۳۲. CIVICUS, “Statement: Afghanistan’s Adoption of Universal Periodic Review on Human Rights,” July 4, 2019, <https://bit.ly/2C7FtGD>.
۳۳. Equality and Human Rights Commission, “Human Rights: Human Lives; a Guide to Human Rights act for public Authorities,” 2014.

٣٤. EU Human Rights Guidelines on freedom of expression online and Offline, <https://bit.ly/3ryAnbl>.
٣٥. European declaration on freedom of expression and information, Adopted by committee of Ministers, 1982, <https://bit.ly/2OFyxXi>
٣٦. Human Rights Committee, General Comment 34, CCPR/C/GC/34 July 2011.
٣٧. Human Rights Council, Resolution 24/5. The rights to freedom of peaceful assembly and of association, UN Doc. A/HRC/RES/24/5, 8 October 2013.
٣٨. Kermani, Secunder, “Kabul Bomb: Protesters Shot Dead at March in Afghan Capital,” BBC, June 2, 2017, <https://bbc.in/2MmUMwU>.
٣٩. Maddex, Robert L, International Encyclopedia of human rights: freedoms, abuses and remedies, Washington D.C., CQ press, 2000.
٤٠. Mandgar, “Draft Law on Protest, Assemblies and Strike,” July 11, 2017, <https://bit.ly/33GzulN>.
٤١. Maudoodi, Haseeb, “Afghan Media Watchdog Calls for Information Policy Enforcement,” BBC, February 5, 2020, <https://bit.ly/307XjmU>.
٤٢. Mehrdad, “Ezzatullah, “Afghan Man Serves 20 Years Sentence in Prison for Writing an Article,” Insight Over, November 7, 2019, <https://bit.ly/3e1HVMH>.
٤٣. OSCE Office for Democratic Institutions and Human Rights, Guidelines on Freedom of Assembly, Warsaw 2010.
٤٤. Qaane, Ehsan, “Afghanistan’s New Law on Freedom of Assembly: Limiting the Space to Demonstrate,” Afghanistan Analysts Network, August 26, 2017, <https://bit.ly/3cd5wsg>.
٤٥. Report of the Special Rapporteur on the rights to freedom of peaceful assembly and of association, UN Doc. A/HRC/20/27, 21 May 2012, para 24.

٤٦. Tanseem, Ayesha, "Afghan Intelligence Admits Detaining Activists who Flagged Abuse," VOA, November 26, 2019, <https://bit.ly/2XZIAc9>.
٤٧. Tolo News, "Afghan, EU Envoys Seeking Ways to Mitigate COVID-19 Risk," April 10, 2020, <https://bit.ly/2AxaByL>.
٤٨. Tolo News, "Government Shuts Down Kabul City, Blocks Roads with Containers," May 16, 2016, <https://bit.ly/3htKRDW>.
٤٩. United nations Millennium declaration, Adopted by General Assembly, 2002, A/RES/55/2.
٥٠. US department of State, Human Rights report (2016), Website Link: <https://bit.ly/3rU5NJ9>
٥١. Voice of America, "Afghan Journalist Given Two-Year Jail Sentence for Blasphemy," October 30, 2009, <https://bit.ly/2UE69VW>.
٥٢. Voice of America, "More than 200 Media Outlets in Afghanistan have been Shut Down in the Four Years," August 20, 2017, <https://bit.ly/2Y9kw5p>.

د: مصاحبه‌های حضوری

٥٣. انوش، سید حسین، رئیس اجرایی شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان، مصاحبه کننده: عبدالرحمن یاسا، ١٢ جون ٢٠٢٠.
٥٤. دروازیان، جواد، محقق شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان، مصاحبه کننده: عبدالرحمن یاسا، ٢٩ اپریل ٢٠٢٠.
٥٥. سلطانی، زمان، محقق آسیای جنوبی در سازمان عفو بین‌الملل، مصاحبه کننده: عبدالرحمن یاسا، ٢٠ اپریل ٢٠٢٠.
٥٦. ناشناس، پژوهشگر آزاد، مصاحبه کننده: عبدالرحمن یاسا، ٨ می، ٢٠٢٠.
٥٧. ناشناس، رئیس اسبق بخش افغانستان بنیاد کریتس-جرمن، مصاحبه کننده: عبدالرحمن یاسا، ٢١ اپریل ٢٠٢٠.

ه: سایت‌های اینترنتی

۵۸. <https://monitor.civicus.org/whatiscivicspace/>
۵۹. <https://8am.af/>
۶۰. <https://www.etilaatroz.com/>
۶۱. <https://www.bbc.com/persian.amp>

Shrinking Civic Space For Human Rights Defenders In Afghanistan

از متن گزارش:

«در چند سال اخیر بعد از ۲۰۱۴ تمایل حکومت به محدودسازی فضای مدنی در حال افزایش بوده است. این تمایل را علاوه بر حوزه قانون گذاری، در واقعیت های جاری جامعه نیز می توان مشاهده کرد. هر چند اقدامات حکومت در حوزه قانون گذاری گاهی ناموفق بوده است، در عمل، دولت افغانستان تلاش کرده است تا فضای مدنی را محدود سازد، این تلاش ها شامل بستن جاده ها با استفاده از تجهیزات نظامی و حمل و نقل تا حمله فیزیکی، دستگیری معترضان و حتی تیراندازی و هدف قرار دادن معترضان می شود. محدودیت هایی که بر فضای مدنی اعمال شده است، ناشی از علل و عوامل مختلف است: بخشی از این محدودیت ها مشخصاً ریشه سیاسی دارد و بعد از تجربه جنبش های اعتراضی تبسم، روشنایی و رستاخیز تغییر، حکومت تصمیم گرفته به نوعی فرصت حضور در جاده های شهری را از شهروندان معترض بگیرد.»

